

بررسی مؤلفه‌های مؤثر در توسعه محلی پایدار روستاهای

شهرستان گرمسار یا تاکید بر سرمایه اجتماعی

جواد عسگری

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد یادگار امام (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

علیرضا استعلاجی^۱

استاد گروه جغرافیا، واحد یادگار امام (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مجید ولی شریعت پناهی

دانشیار جغرافیای انسانی، واحد یادگار امام (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۷/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۹

چکیده

توسعه روستایی مستلزم توجه ویژه به نیروی انسانی است و روستاییان به عنوان منابع انسانی مهم بخش کشاورزی، از عوامل اصلی توسعه روستایی به شمار می‌رود. سرمایه اجتماعی را می‌توان از طریق کارکردهای آن همچون اعتماد، مدارا، همکاری، همبستگی-های گروهی، ترحم، شفقت، دلسوزی، ایثار و نوع دوستی شناسایی نمود. توسعه پایدار با ایجاد شرایط مطلوب در زمینه‌های مواد غذایی، بهداشتی، اشتغال، آموزش و نحوه گذر زمان آزاد موجب ایجاد سطح عادی در زندگی می‌شود؛ بنابراین برای دستیابی به توسعه پایدار شهری که هدف از آن بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اعضای جامعه است، تشکیل و تقویت سرمایه اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هدف اصلی این مقاله عبارت است از بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی در توسعه‌ی پایدار محله‌های شهری مورد مطالعه در روستاهای شهرستان گرمسار و حوزه‌های نفوذ. سؤال اصلی مقاله این است که آیا مؤلفه‌های سرمایه‌های اجتماعی بر شکل‌گیری توسعه‌ی پایدار محله‌ایی در سطح محلات محدوده‌ی مورد مطالعه مؤثر است؟ روش این مقاله توصیفی تحلیل است. نتایج مقاله نشان می‌دهد که میان سرمایه اجتماعی ساکنان و پایداری محله، رابطه معنی‌داری برقرار است. این سرمایه بیش از آن که به بهبود محیط کالبدی محله اثرگذار باشد، بر توسعه پایدار اجتماعی و اقتصادی محله مؤثر است. در ضمن، در تأیید نتایج پژوهش‌های پیشین، رابطه‌ای مثبت و قابل قبول میان مؤلفه‌های ذهنی سرمایه اجتماعی و تمامی مؤلفه‌های پایداری محلی شناسایی شده است. از سویی برخلاف نتایج مطالعات پیشین، ساکنان مرفه‌تر اعتماد بیشتری به نهادهای رسمی دارند؛ بنابراین شکل‌گیری و استفاده از سرمایه اجتماعی در یک محله کمتر برخوردار نسبت به محله‌های توسعه‌یافته، دارای الگوی متفاوت است.

کلمات کلیدی: سرمایه اجتماعی، در توسعه محلی، پایدار، روستا، گرمسار.

مقدمه

در دو دهه اخیر مفهوم سرمایه اجتماعی به واسطه ارتباطش با مؤلفه‌های بنیادین اجتماعی شامل آگاهی، مشارکت، اعتماد، انسجام و شبکه اجتماعی در راستای توسعه پایدار جوامع به‌ویژه جوامع روستایی مورد تأکید قرار گرفته است، لذا برای توسعه پایدار محله‌ای توانایی جوامع کوچک محلی (محلات)، در بهره‌برداری و استفاده از منابع طبیعی، انسانی و اکولوژیکی بوده است. امروزه سرمایه اجتماعی را یکی از اجزای ثروت ملت‌ها و توسعه پایدار، یکی از ابزارهای ظرفیت‌سازی در اجتماعات، تدبیری برای پیشگیری و کاهش مشکلات اجتماعی و عاملی برای موفقیت برنامه‌های رفاه اجتماعی و ارتقاء سلامت فردی و اجتماعی می‌دانند و در ارتباط با توسعه مناطق روستایی سرمایه اجتماعی ابزاری برای ارتقاء درآمد، کاهش فقر، مدیریت پایدار منابع، ارتقاء انگیزش، مشارکت فعال در تصمیم‌گیری، ارتقاء شاخص‌های سلامت، توانمندسازی و ... محسوب می‌شود (کریمی، ۱۳۸۹).

در واقع استفاده از سرمایه اجتماعی به عنوان راه حلی قابل اجرا در سطح اجتماعات محلی برای مشکلات توسعه مورد توجه سیاست‌گذاران و مسئولان سیاست است؛ بنابراین، درک مکانیسم و نقش سرمایه اجتماعی برای تحقق هدف کوچک‌سازی وظایف و واگذاری مسئولیت‌ها به نهادها، فراهم نمودن زمینه برای گسترش سرمایه اجتماعی در راستای افزایش تعاملات و ارتباطات اجتماعی و فرهنگی در سطح محله‌ای به منظور کمک گرفتن از شهروندان در رسیدن به توسعه پایدار، از اهم اهداف تحقیق حاضر است. مفهوم سرمایه اجتماعی در تحلیل‌های اجتماعی و اقتصادی پیرامون توسعه جوامع روستایی نیز، مطرح شده و بر منابع محلی سکونتگاه‌های روستا از قبیل روابط انسانی، شبکه‌ها و نهادهای موجود در ساختارهای اجتماعی تأکید دارد. در این راستا توجه به سرمایه‌های اجتماعی به عنوان دارایی که در میان اجتماعات این سکونتگاه‌ها جاری است، راه حلی مناسب برای دستیابی به مؤلفه‌های توسعه پایدار این محلات به شمار می‌آید. تأکیدهای نظری و تجربی اخیر بر پایدارسازی توسعه با استفاده از سرمایه‌های محلی و بهبود شرایط زندگی از طریق منابع درون‌زا یکی از راهکارهای درخور و اثربخش برای حل مشکل محلات غیررسمی است. بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی، یکی از روش‌های کم‌هزینه و مطمئن برای دستیابی به توسعه پایدار در این محلات است (رجبی، ۱۳۹۰).

در باب اهمیت رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار محله‌ای می‌توان گفت: از طرفی سرمایه اجتماعی (حس همبستگی، مشارکت، اعتماد و ...) در بین شبکه‌ها در سطح محلات از عمق بیشتری برخوردارند و با بهبود و تقویت این سرمایه‌ها به عنوان ابعاد اجتماعی پایدار منجر به بهبود دیگر ابعاد پایداری محله از جمله بعد کالبدی می‌شود از طرفی بهبود کیفیت کالبدی - فضایی محله‌ها که حضور یا عدم حضور ساکنان و به تبع آن شکل‌گیری تعاملات اجتماعی را به همراه دارد. به عنوان مثال فضاهای عمومی از جمله مساجد، میادین، بازار، پارک‌ها در سطح محلات ضمن اینکه به عنوان محلی برای فعالیت‌های شهری هستند با ویژگی تجمع‌پذیری که دارند می‌توانند با انباشت و گردآوردن شهروندان زمینه‌ی تعاملات اجتماعی و ارتقاء سرمایه اجتماعی را فراهم آورد و در نهایت به توسعه پایدار محله‌ای کمک کند (شارپلی، ۱۳۸۰).

یک استراتژی توسعه مطلوب برای مناطق روستایی، معروف به توسعه پایدار روستایی، برخلاف روش‌های پیشین، مبتنی بر رویکردی منظم و جامع است که شامل جنبه‌های اساسی در شکل‌گیری یک سیستم توسعه روستایی و پیوند هماهنگ بین آن‌ها است. با توجه به تعاریف توسعه پایدار، مؤلفه‌های اساسی آن عبارت‌اند از اقتصاد مترقی، رفاه اجتماعی، کیفیت محیط‌زیست و حکمرانی خوب. این بدان معناست که باید یک زندگی سالم وجود داشته باشد که با برآورده کردن نیازهای اساسی افراد، همراه با بالا بردن کیفیت محیط و تحقق سطح بالایی از زندگی، باید حاصل شود. بطور کلی، توسعه پایدار فرایندی است که از طریق آن یک رویکرد جامع، آینده‌نگر و رضایت پایدار از طریق ایجاد یک رابطه مناسب بین انسان و محیط و همچنین در درون مؤلفه‌های آن برقرار می‌شود. یک مداخله منطقی به منظور پایدار نگه داشتن رابطه، یکپارچه‌سازی فناوری پیشرفته با دانش بومی و به رسمیت شناختن حق افراد. برای ارزیابی پایداری روستایی از نظر وضعیت منطقه و مشکل مطرح شده در این مطالعه، لازم است شاخص‌های توسعه پایدار با نظریه سرمایه اجتماعی ادغام شود (اقبال، ۱۳۸۹).

رویکرد مفهومی و نظری

محققان برای مطالعه سرمایه اجتماعی در مقیاس محله، با چالش‌های عدیده‌ای مواجه‌اند که مهم‌ترین آن‌ها یکپارچگی واحدهای همسایگی و اجتماعات محلی است. «محله» تنها یکی از چند زمینه‌ای است که مردم در آن شبکه‌های اجتماعی‌شان را به وجود آورده و حفظ می‌نمایند (رضوانی، ۱۳۸۷). برای بیشتر مردم، شبکه‌های اجتماعی به راحتی فراتر از «فضای خانه» یا محله گسترش می‌یابد. با این وجود، محله یک زمینه خاص فضایی است که در آن ساکنین، انتخاب می‌کنند یا مجبور به زندگی می‌شوند. در این گونه موارد، تعاملات اجتماعی روزمره گذرا می‌توانند سبب به وجود آمدن روابط عمیق گردند اما معمولاً باقیمانده ماهیتی ضعیف و «خصیصه‌ای متغیر، متحرک و سیال» هستند (ازکیا و همکاران، ۱۳۸۷). مهم‌تر اینکه ممکن است آن‌ها سرمایه اجتماعی را بدون نیاز به وجود عضوی از سایر شبکه‌ها ایجاد کنند (ارشاد و آقائی، ۱۳۸۱). ساکنان محله به صورت تصادفی در راه پله‌ها، آن سوی حصارها، در خیابان‌ها و میادین، زمین‌های بازی یا تفرجگاه‌ها، فروشگاه‌های محل و مراکز تجمع با برخوردهای شخصی مواجه می‌شوند. نوعی وابستگی متقابل در این پهنه وجود دارد به طوری که ساکنان به صورت مسالمت‌آمیز در کنار هم زندگی کرده، اعتماد و هنجارهای معمول را حفظ می‌کنند و چنانچه منافع مشترکی در خطر باشد برای دستیابی به موفقیت، باهم همکاری می‌نمایند. از جهت منفی، اگر مزاحمتی رخ دهد ساکنان به وضوح این وابستگی را احساس می‌کنند. با این حال وجود تعاملات اجتماعی هر روزه و گذرا از فواید اعتماد کردن، هنجارهای مشترک و اقدامات اجتماعی است (کلینهانس^۱، ۲۰۰۹: ۶۳۴).

تعاملات گذرا می‌توانند منجر به خلق روابط ضعیف و آشنایی عمومی شوند. آشنایی عمومی یعنی ساکنان اطلاعات کافی را از تعاملات هر روزه به دست می‌آورند تا سایر افراد را شناخته و دسته‌بندی کنند (فیشر، ۱۹۸۲: ۶۱-۶۰؛ بلوکلند، ۲۰۰۳: ۹۳-۹۰). هنینگ و لیبرگ^۲ (۱۹۹۶) روابط ضعیف را به صورت «تماس‌های بی‌تکلف روزمره در

^۱. Kleinhans

^۲. Fisher & Blokland

محلّه» تعریف می‌کنند (هنینگ و لیبرگ، ۱۹۹۶: ۶). شامل دامنه‌ای از آشنایی‌های مختصر تا سطوح معمول کمک‌های عملی است. مطابق معمول، روابط ضعیف شیوهایی با اهمیت برای آشنایی عمومی می‌باشند به طوری که آن‌ها می‌توانند اطلاعات بسیاری را در مورد ساکنین ارائه دهند. آشنایی عمومی به نوبه خود می‌تواند سرمایه اجتماعی را به اشکال مختلفی عرضه دارد. روابط ضعیف نه تنها برای پشت گرمی بلکه برای حس امنیت و احساس در خونه بودن نیز از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده‌اند (بریگس، ۱۹۹۸؛ کرافورد، ۲۰۰۶؛ هنینگ و لیبرگ^۱، ۱۹۹۶). در عین حال، اقدام جمعی از جانب ساکنان لزوماً نیازی به روابط قوی ندارد. به عنوان مثال، نصب گلدان‌های گل به پنجره‌ها با هدف حفظ سبک بی‌ابهام نما می‌تواند بدون تماس‌های قوی مورد پذیرش قرار گیرد. مادامی که شبکه‌های اجتماعی و روابط قوی، پتانسیل بیشتری برای انطباق‌پذیری با هنجارهای خاص رفتاری دارند، احتمالاً گذرا تکرار شونده‌ترند و ساکنانی متفاوت و به مراتب بیشتر را در بر می‌گیرند. فارست و کیرنز (۲۰۰۱) استدلال می‌کنند که شبکه‌های همسایگی استحکام کمی داشته و چندان عمیق و ریشه‌دار نیستند و نظم اجتماعی‌ای که آن‌ها در آن قرار می‌گیرند می‌تواند باثبات‌تر و سازگارتر باشد (فرست و کارنس^۲، ۲۰۰۱: ۳۴-۲۱). همسایگی نیازمند مهارت دستیابی به دوستی از راه دور است (سرو و همکاران، ۲۰۰۲، بریدگ^۳، ۲۰۰۲: ۱۵) تا اطمینان حاصل شود که رابطه متقابل حفظ شده و به حریم زنگی خصوصی تجاوز نشده است.

جزء سازنده دیگر و بسیار پیچیده اما با اهمیت سرمایه اجتماعی، اعتماد است. سطح اصلی اعتماد، حالتی برای تعاملات اجتماعی، حمایتی و عمل متقابل است. همچنین ممکن است اعتماد به عنوان اثر مثبت تعاملات و حمایت دوجانبه بسط یابد (برهم و برهن^۴، ۱۹۹۷). روابط نامنظم با روابط مدنی، عمل متقابل، صداقت و اعتماد اجتماعی درهم تنیده‌اند (پوتنام، ۲۰۰۰: ۱۳۷). قابلیت پیش‌بینی رفتار ساکنان در یک محلّه، بر مبنای اعتماد است. اعتماد می‌تواند به احساس امنیت و وجود موانع کمتر برای ایجاد تعامل با سایرین کمک کند. مردمی که به دیگران اعتماد می‌کنند روابط شخصی را شکل می‌دهند و غالباً بیش از افراد بدگمان به طور داوطلبانه در تجمعات شرکت می‌نمایند- (پوتنام، ۲۰۰۰؛ رز و همکاران، ۲۰۰۱؛ برهم و رهن، ۱۹۹۷^۵). اعتماد خواستن را فعال می‌کند یا سایر ساکنین را برای کمک عملی یا همکاری آماده می‌نماید تا به خاطر همسایگی به چیزهای مهمی مانند اقدامات احتیاطی در برابر دزدی دست یابند. در مقابل، یک محلّه در حال زوال، منجر به ایجاد تهدیداتی در قابلیت پیش‌آگاهی و تعاملات اجتماعی بین ساکنان می‌شود (رز و همکاران، ۲۰۰۱؛ لیلیولدت^۶ و همکاران، ۲۰۰۴). به ویژه در محلّه‌های محروم که گردش مالی بالای کاربری مسکونی می‌تواند آشنایی اجتماعی و اعتماد را متزلزل سازد و منجر به کاهش سطوح تعاملات اجتماعی گردد. ساکنین ممکن است با بلند نظری، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کالبدی را به عنوان

1. Henning&Lieberg

2. Briggs, 1998; Crawford, 2006; Henning&Lieberg, 1996

3. Forrest & Kearns

4. Crow Et Al, Bridge

5. Brehm & Rahn

6. ross et al. 2001: 570; brehm & rahn, 1997; Putnam, 2000

7. Lelieveldt

نشانه‌ای از منافع عمومی در محله خود، افزایش خوش‌بینی و اعتماد به آینده آن تفسیر کنند (فلینت و کارنس^۱، ۲۰۰۶: ۴۵).

سرمایه اجتماعی می‌تواند از طریق هنجارهای اجتماعی نیز ایجاد شده باشد. در یک محیط همسایگی، هنجارها، قوانین اجتماعی نانوشته‌ای برای تعامل با سایر ساکنین و رفتار یک شخص در فضاهای عمومی هستند. سرمایه اجتماعی و رای مزایای کنترل اجتماعی و هنجارهای مشترک همچون مزاحمتی که اتفاق نمی‌افتد، خیابانی تمیز، توافقات غیررسمی در مورد نحوه استفاده از فضای کم پارکینگ و والدینی که از بچه‌های در حال بازی دیگران بیشتر از بچه‌های خود مراقبت می‌کنند پنهان شده‌اند (carpiano,2007;foley) (Putnam,2000;Halpern,2005:11;Edwards,1999:152). تمایل ساکنین برای مداخله در موقعیت‌های ناخوشایند تا حدودی به کیفیت تعاملات اجتماعی و اعتماد متقابل وابسته است (Sampson et al. 1997:919). نظریه‌ی سرمایه اجتماعی مدعی است که اجرای مؤثر هنجارها تنها در صورتی امکان‌پذیر است که یک ساختار اجتماعی دارای بستار باشد (coleman,1998: 107-105)

بستار، حوزه‌ای است که اشخاص مختلف در یک محیط اجتماعی به هم وابسته هستند و در یک محله، بدین معنی خواهد بود که ساکنان برای اعمال کنترل اجتماعی بایستی یکدیگر را به خوبی بشناسند. در هر صورت، بلیر (۱۹۹۷) توصیه کرده است که حضور محض تعاملات اجتماعی در سطحی پایه برای کنترل اجتماعی کافی است. به علاوه، حتی حضور مکرر مشارکت اجتماعی می‌تواند حس توانمندسازی را در ساکنانی پرورش دهد که به این نتیجه رسیده‌اند که مردم از روابط همسایگی مراقبت می‌کنند (carpiano,2007:642). در صورت تخطی از هنجارهای نانوشته، ساکنان می‌توانند راهبردهای تحریمی گوناگونی را برای نشان دادن مخالفت خود به کار گیرند. راهبردهای مشترک به طور مستقیم، متخلف را مورد خطاب قرار داده یا به وی بی‌اعتنایی می‌کنند یا با شایعه‌پراکنی، ابروی متخلف را می‌برند (هالپرن، ۲۰۰۵: ۱۱). سرمایه اجتماعی می‌تواند حتی با تعاملات گاه و بی‌گاه، در دسترس باشد به طوری که ساکنان می‌توانند از کنترل اجتماعی اعمال شده بر سایر ساکنان منفعت ببرند (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۰). در ضمن صاحب‌خانه‌ها می‌توانند محرک ساکنینی باشند که می‌خواهند هنجارهای اساسی را برای ساختمان‌های آپارتمانی بنا نهند. این «تدوین قوانین» می‌تواند زمینه را برای تلاش ساکنین جهت اجرای هنجارها فراهم نماید. در نتیجه، ارتباطات اتفاقی و گذرا بین ساکنان می‌تواند تنوع منابعی را به وجود آورد که جو اجتماعی مطلوبی را خلق یا از آن حمایت می‌کند.

سرمایه اجتماعی دارای دو بعد انفرادی و اجتماعی است. این منابع می‌تواند هم به «گروه» ساکنین با روابط گذرا و هم به ساکنین منفرد تعلق گیرد. به نظر می‌رسد سطوح فضایی خرد، همچون خیابان‌ها، میدین و بلوک‌های ساختمان، نسبت به سطوح همسایگی مشابه از اهمیت بیشتری برای تعاملات اجتماعی برخوردارند (blokland,2003;fisher,1982;grannis,1998). در سطوح خرد، ساکنان بیش از حد، درگیر تعاملات گذرای روزمره

^۱. flint&kearns

می‌شود و می‌تواند آشنایی عمومی را گسترش دهند. به علاوه، اندازه واحدهای همسایگی اداری، بسیار بزرگ‌تر از قوه ادراک همسایگی اکثر ساکنین، مثل قدم زدن از خانه یک شخص در فاصله زمانی حدود ۵ تا ۱۰ دقیقه است (kearns & Parkinson, 2001, 2103; wassenberg et al. 2006).

سنجش سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی وجهی نو یافته و انکارناپذیر از یک جامعه است و الزاماً در همه جوامع شکل و صورت واحدی ندارد (صیدایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۹۶). با توجه به تعاریف مختلف از سرمایه اجتماعی، روش‌های اندازه‌گیری متعددی وجود دارد و در کل، هیچ کدام از مقبولیت عام، برخوردار نیستند. همچنین اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی از فقدان اطلاعات مناسب رنج می‌برد و در موارد بسیاری، طراحی نظرسنجی که گرایش به اهداف دیگری غیر از ارزیابی سرمایه اجتماعی داشته‌اند. با این وجود، تلاش‌های متعددی جهت پیشبرد سنجش سرمایه اجتماعی انجام پذیرفته است، اما تمرکز اکثر آن‌ها بر شبکه‌ها یا درآمدهای اقتصادی بوده است.

ماهیت کلی مفهوم سرمایه اجتماعی، تعیین معیارها را با توجه به گستردگی زمینه‌های آن دشواری سازد. از طرفی، روش سنجش سرمایه اجتماعی، بسته به رشته و موضوع مطالعه، می‌تواند متفاوت باشد. عده‌ای از پژوهشگران مدعی‌اند که سرمایه اجتماعی را نمی‌توان به طور مستقیم اندازه‌گیری کرد و معمولاً بایستی از چند نوع شاخص نماینده استفاده شود.

پژوهشگران و سازمان‌های مختلف، بسته به هدف خود از شاخص یا متغیرهای نسبتاً متشابه و یا غیر یکسان استفاده کرده‌اند. از آنچه که سرمایه اجتماعی با روش‌های بسیار متفاوتی مورد سنجش قرار می‌گیرد، اغلب مقایسه آن با نتایج محققان دیگر دشوار می‌باشد زیرا همیشه برخی موضوعات منحصر به فرد مانند ویژگی‌های فرهنگی خاص وجود دارند. در نتیجه برای این منظور با یک مجموعه‌ای از شاخص‌ها مورد استفاده قرار گیرد تا ابعاد گوناگون موضوع در سنجش لحاظ شود. هر چند سنجش سرمایه اجتماعی دشوار است ولی غیرممکن نیست. بعضی از تحقیقات با تلفیق متدلوزی کمی، کیفی و تطبیقی در پی اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی هستند (شعبانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۶).

تاکنون به منظور اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در مقیاس واحد همسایگی، دو پژوهش مهم، انجام پذیرفته است. بر اساس تحقیقی که توسط بولن و اونیکس (۱۹۹۹) برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در پنج اجتماع مختلف در استرالیا انجام شده، هشت شاخص: مشارکت در اجتماع محلی، کنش گرایی در یک موقعیت اجتماعی، احساس اعتماد و امنیت، پیوندهای همسایگی، پیوندهای دولتی و خانوادگی، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها، بها دادن به زندگی، پیوندهای کاری شناسایی گردید (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰). در پژوهش دیگری که به وسیله فارست و کیرنز (۲۰۰۱) صورت گرفت هشت شاخص: توانمندسازی، مشارکت، فعالیت گروهی و هدف مشترک، شبکه‌های حمایتی و عمل متقابل، ارزش‌ها و هنجارهای جمعی، اعتماد، امنیت و حس تعلق جهت تهیه پرسشنامه پیشنهاد شد (فورست و همکاران، ۲۰۰۱: ۱۳۴).

سنجش سرمایه اجتماعی در محیط شهری

پاتنام سه شاخص آگاهی، مشارکت و نهادهای مدنی را به عنوان معیارهای اصلی در سنجش سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند (فیلد، ۲۰۰۳: ۱۲۴). انگلهارت مهم‌ترین شاخص را در سنجش سرمایه اجتماعی میزان « اعتماد » موجود در اجتماع می‌داند (فیلد، ۲۰۰۳: ۱۲). فوکویاما معتقد است باید به صورت غیرمستقیم و با سنجش میزان اثرات نبود یا کمبود سرمایه اجتماعی به اندازه‌گیری آن اقدام کرد. بدین ترتیب او معیارهایی چون میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعاوی و دادخواهی، خودکشی و غیره را برای سنجش این مفهوم مطرح می‌کند (اختر محقق، ۲۰۰۶: ۳۰). لی، پیکلز و ساویچ برای سنجش سرمایه اجتماعی در یک جامعه محلی شاخص‌هایی چون پیوند همسایگی، مشارکت مدنی و شبکه‌های اجتماعی را مطرح می‌کنند که این سه شاخص در ارتباط با میزان اعتماد موجود در جامعه مورد ارزیابی قرار می‌گیرند (ازکیا و غفاری، ۲۰۰۴: ۱۰۲).

توسعه

توسعه از لحاظ لغوی، دارای معانی همچون تغییر اجتماعی، رشد اجتماعی، تکامل اجتماعی، مدرنیزه شدن و پیشرفت می‌باشد. توسعه معادل^۱ در فرهنگ لغت معین به معنای وسعت دادن و فراخ است. "در تعریف توسعه نکاتی را باید مد نظر داشت که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از اینکه اولاً توسعه را مقوله ارزشی تلقی کنیم، ثانیاً آن را جریانی چندبعدی و پیچیده بدانیم، ثالثاً به ارتباط و نزدیکی آن با مفهوم بهبود^۲ توجه داشته باشیم (ازکیا، ۱۳۸۴: ۸). توسعه فرایندی پویا و چندبعدی است و امروزه اتفاق نظر کلی وجود دارد که سطح توسعه را نمی‌توان با شاخص ساده و واحدی نشان داد. پژوهش‌های زیادی به رابطه‌ی میان سرمایه‌ی اجتماعی و پیامدهای مثبت در حوزه‌ها و سطوح گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی توجه کرده‌اند. برای نمونه تحقیقات نشان داده‌اند که با کارایی نهادی، افزایش سطح آموزش و رفاه کودکان، کاهش نزاع و درگیری، برتری اقتصادی افراد، کاهش مرگ‌ومیر، بهبود وضع سلامت، احساس خوشبختی و اعتماد به حکومت و... رابطه‌ی مستقیم دارد.

مفهوم پایداری و توسعه پایدار

برای ورود توسعه پایدار به جریان اصلی بحث‌های سیاست جهانی، هیچ رویدادی تأثیرگذارتر از گزارش کمیته محیط‌زیست و توسعه (۱۹۸۷) که معمولاً با عنوان کمیته برانتلند شناخته می‌شود، نبوده است. این گزارش که در سطح وسیعی به صورت یک کتابچه با عنوان آینده مشترک ما منتشر شد، بیان‌کننده آن موضوعی است که امروزه به عنوان تعریف متداول توسعه پایدار مطرح است: توسعه‌ای که نیازهای کنونی را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهایشان برطرف نماید (ویلر و بتلی، ۱۳۸۴: ۸۱). این واژه به مفهوم گسترده آن شامل اداره و بهره‌برداری صحیح و کارا از منابع پایه، منابع مالی و نیروی انسانی برای نیل به الگوی مصرف مطلوب همراه با به کارگیری امکانات فنی و ساختار و تشکیلات مناسب برای رفع نیاز نسل‌های امروز و آینده به طور مستمر و

^۱ . Development

^۲ . Improvement

قابل رضایت است. پایداری به مفهوم بر آوردن نیازهای فعلی بدون از بین بردن قابلیت‌های نسل‌های آینده در تأمین نیازهای خود است (بحرینی، ۱۳۷۶: ۲۸).

علی‌الاصول، پایداری می‌تواند معانی بسیاری را در برداشته باشد که از یک هدف اکولوژیکی تا اصولی برای فعالیت‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی را شامل می‌شود. در فرایند توسعه در دهه‌های اخیر، حفاظت از منابع طبیعی که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بیشترین توجه را به خود معطوف کرده بود، در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ جای خود را به مقررات اصلاحی و انعطاف‌پذیر بر پایه کارایی داده است (بحرینی و حاجی بنده، ۱۳۹۰: ۵۲). در این میان، در رابطه با مفهوم توسعه پایدار بیش از سه دهه بحث گردیده و ابعاد مختلف آن جای وسیعی در ادبیات مربوط باز کرده است. با این حال بسیاری از ابعاد توسعه پایدار هنوز مورد توافق جدی قرار نگرفته است (عزیزی، ۱۳۸۵: ۳۷). تاکنون تعاریف مختلفی از پایداری و توسعه پایدار و با طرح موضوعات متنوعی در ارتباط با این مفهوم ارائه گردیده است که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد (ویلر و بنتلی، ۱۳۸۴-۴: ۴۸۳).

منطقه مورد مطالعه

شهرستان گرمسار با مساحت ۵۱۶۲ کیلومتر مربع غربی‌ترین شهرستان استان سمنان بوده و در جوار استان‌های تهران و قم قرار گرفته است. این شهرستان از طرف شرق با شهرستان تازه تأسیس آزادان همسایه می‌باشد. همچنین از شمال به شهرستان‌های فیروزکوه و دماوند از استان تهران و در جنوب به استان اصفهان محدود می‌شود. حداقل طول شرقی جغرافیایی شهرستان گرمسار ۵۱ درجه و ۵۱ دقیقه و حداقل عرض شمالی ۳۴ درجه و ۱۸ درجه قرار داشته است و ارتفاع ایستگاه هواشناسی مرکز شهرستان از سطح دریا ۹/۸۹۹ متر و اختلاف ساعت مرکز/ شهرستان با شهر تهران ۵ دقیقه می‌باشد. مساحت این شهرستان ۵۱۶۲ کیلومتر مربع می‌باشد. این شهرستان در مسیر تهران به مشهد قرار گرفته و از طریق شبکه بزرگراهی و راه آهن با این شهرها در ارتباط می‌باشد. همچنین شهر گرمسار از طریق شبکه آزادراهی با قم در ارتباط بوده و از این طریق با مناطق جنوبی کشور ارتباط برقرار می‌کند. راه آهن شمال کشور نیز از شهر گرمسار عبور کرده و ارتباط این شهرستان را با شمال کشور برقرار می‌سازد. مرکز این شهرستان شهر گرمسار است. شهرستان گرمسار یکی از شهرستان‌های ۸ گانه استان سمنان بوده و دارای ۲ بخش است که شامل ۳ دهستان می‌باشند. بخش ایوانکی شامل دهستان ایوانکی بوده و بخش مرکزی از ۲ دهستان حومه و لجران تشکیل شده است. این شهرستان دارای ۲ نقطه شهری گرمسار و ایوانکی می‌باشد. شهر گرمسار مرکز این شهرستان است. این شهرستان بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای ۶۹ آبادی دارای سکنه و ۲۳۲ آبادی خالی از سکنه بوده است.

جدول ۱: تقسیمات سیاسی شهرستان گرمسار

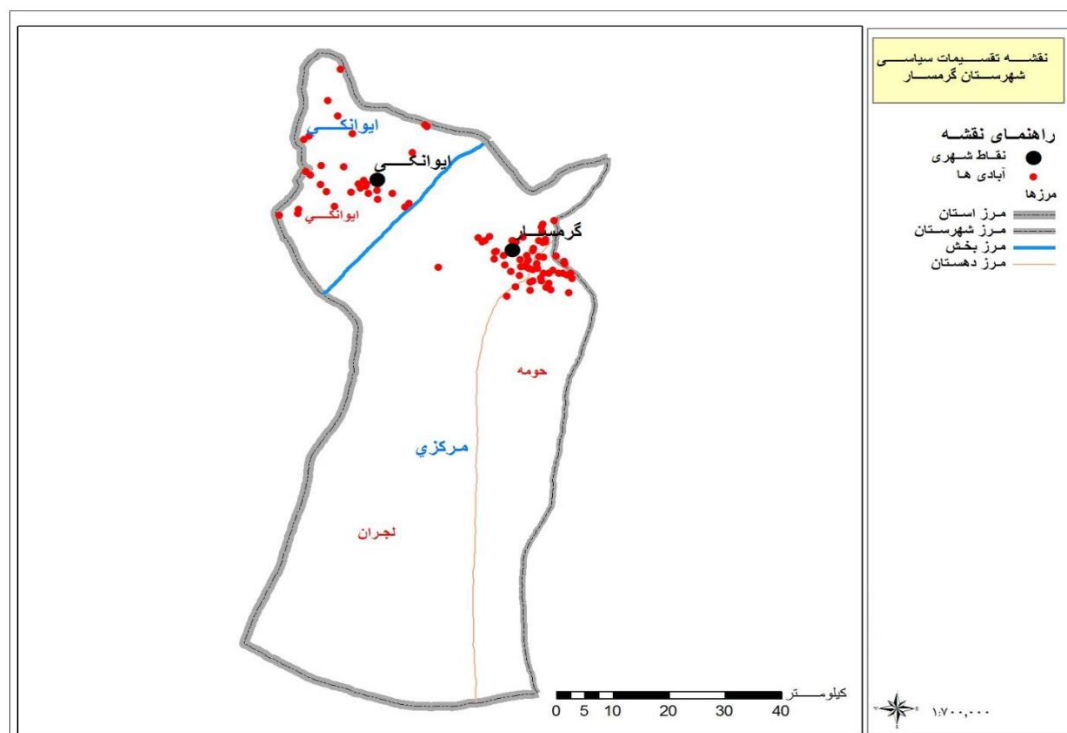
شهرستان	مرکز شهرستان	بخش	دهستان	نقاط شهری
گرمسار	گرمسار	ایوانکی	ایوانکی	ایوانکی
		مرکزی	حومه	
			لجران	گرمسار

مأخذ: آمارنامه استان سمنان سال ۱۳۹۴

جدول ۲: وضعیت روستاهای شهرستان گرمسار

شهرستان	آبادی در شهرستان	نام بخش	آبادی در بخش
گرمسار	دارای سکنه	خالی از سکنه	دارای سکنه
	۸۹	۲۳۲	۵۷
		ایوانگی	۳۲
		مرکزی	۷۶
			۱۵۶

مأخذ: آمارنامه استان سمنان سال ۱۳۹۵



نقشه ۱: نقشه تقسیمات سیاسی شهرستان گرمسار

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

جمعیت و نیروی انسانی

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ جمعیت شهرستان ۶۳۱۰۲ نفر بوده که در سرشماری سال ۱۳۹۰ به ۶۵۷۴۹ نفر رسیده و در سرشماری سال ۱۳۹۵ به ۷۷۴۲۱ نفر افزایش یافته است، سهم جمعیت شهرستان از کل جمعیت استان در سال ۱۳۸۵، معادل ۱۰/۷ درصد بوده که در دوره بعدی به ۴ / ۱۰ درصد و در سال ۱۳۹۵ به ۱۱/۰۲ درصد رسیده و در طی این مدت به‌طور متوسط با افزایش ۰/۳۱ درصدی روبه‌رو بوده و رشد هم‌زمان و همراه با متوسط استان نداشته و به همین دلیل اندکی به سهم آن افزوده شده است. تراکم نسبی جمعیت در دوره مورد بررسی از ۱۲/۲ نفر در سال ۱۳۸۵ در هر کیلومترمربع به ۱۱/۰۲ نفر در سال ۱۳۹۵ افزایش پیدا کرده است. این شاخص برای متوسط استان در سال ۱۳۹۵، برابر با ۷/۳۰ نفر در هر کیلومترمربع به دست آمده است. مقایسه اطلاعات جمعیتی در طی ده سال گذشته نشان می‌دهد که در طی دوره مورد بررسی از نظر تعداد ۱۴۳۱۹ نفر افزایش داشته و به‌طور متوسط در هر سال ۲/۱۸ درصد رشد داشته است. درحالی‌که متوسط نرخ رشد استان ۲/۲۰ درصد در همین دوره به دست آمده است و این نشان می‌دهد که رشد جمعیت شهرستان در حالت عادی کمتر از

حد انتظار بوده و نشان از مهاجر فرست بودن شهرستان دارد؛ و حتی از نرخ رشد طبیعی جمعیت (تفاوت مولید با مرگ و میر) نیز کمتر بوده است. بررسی توزیع جمعیت به تفکیک شهری و روستایی شهرستان نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۷۹/۱ درصد جمعیت در نقاط شهری و ۲۰/۹ درصد در روستاها زندگی می‌کرده‌اند؛ که این نسبت‌ها به مرور زمان اندکی تغییر یافته به صورتی که در سال ۱۳۹۰، معادل ۸۰/۶ درصد جمعیت در مناطق شهری ۱۹/۴ درصد در روستاها ساکن بوده‌اند. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۴ معادل ۸۰/۳۳ درصد جمعیت در مناطق شهری ۱۹/۶۷ درصد در روستاها سکونت داشته‌اند. تغییر اندک این نسبت به نفع نقاط شهری، نشان از جابجایی خروج جمعیت از نقاط روستایی دارد. جدا شدن قسمت قابل توجهی از روستاهای شرق شهرستان و الحاق به شهرستان تازه تأسیس آرادان در کاهش نسبت جمعیت روستایی گرمسار تأثیر زیادی داشته است.

بررسی نحوه فعالیت جمعیت شهرستان در سال ۱۳۹۵ حاکی است که جمعیت ۱۰ سال و بالاتر این شهرستان برابر با ۶۵۵۲۴ نفر بوده است. از این تعداد ۲۶۰۲۵ نفر فعال و ۳۹۲۲۳ نفر غیرفعال بوده‌اند. از کل جمعیت فعال ۲۴۱۸۷ نفر شاغل و ۱۸۳۸ نفر بیکار بوده‌اند. بر این اساس از کل جمعیت فعال ۹۲/۹۴ درصد شاغل و ۷/۰۶ درصد بیکار بوده‌اند. میزان بیکاری شهرستان به میزان ۳/۰۵ درصد از میزان بیکاری متوسط استان ۱۰/۱۱ پائین تر است.

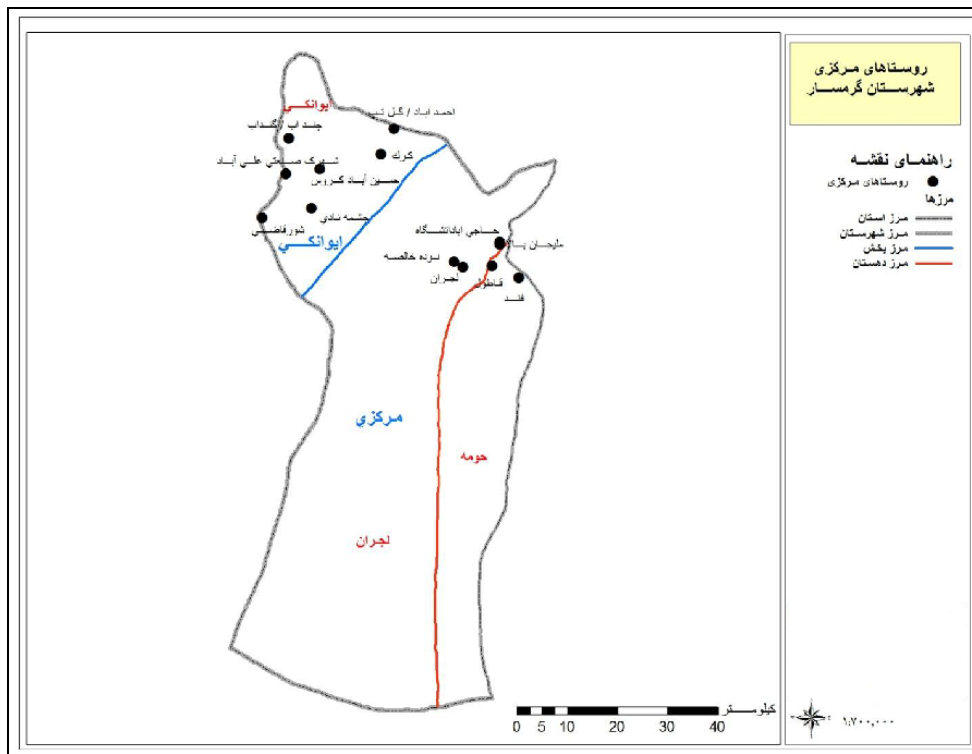
عمران روستایی

عمران روستایی شامل مجموعه فعالیت‌هایی است که به توسعه روستایی منتج می‌شوند. توسعه روستایی را می‌بایست همان بازسازی روستایی بدانیم. لیکن بازسازی روستا از دیدگاه فکری، اندیشه‌ای، آموزشی تکنولوژی و تولید.

روستاهای مرکزی

برای شناسایی مکان‌های مرکزی و یا مرکزهای برتر روستایی در استان، با توجه به داده‌های موجود، گردآوری از شاخص‌های کارآمد، به گونه نا وابسته و ترکیبی، ارزیابی شده و آبدی‌هایی که به یک سبب یا دلیل‌هایی واجد ویژگی‌های مرکزیت بوده‌اند، شناسایی و رتبه‌بندی شده‌اند. جمعیت، دسترسی، پیوند آبدی‌ها و برخی کارکردهای خدماتی، از جمله این موارد، برای مرکزیت آبدی‌ها می‌باشند. شاخص‌هایی که بدون وابستگی، برای رتبه‌بندی آبدی‌ها استفاده شده، شامل جمعیت، دسترسی و وجود خدمات و کارکردهای تسهیلاتی، زیربنایی، ارتباطی و اداری سیاسی بوده که با ارزیابی هر یک از شاخص‌های برجسته و متغیرهای موجود، آبدی‌ها رده بندی شده‌اند. متغیرهای موجود، جهت شناخت شاخص و ارزش مرکزیت آبدی‌ها، در بخش لایه‌بندی سکونتگاه‌ها، بر پایه کارکردهای بنیادی و تبیین روستاهای مرکزی به گونه کامل استفاده شده است؛ بنابراین، بر اساس برخورداری از کارکردهای بالا، ارزش مرکزیت هر کارکرد خدماتی در روستاهای دهستان‌ها تحلیل شده و روستاهایی که دارای بالاترین ارزش مرکزیت بوده و نسبت به سایر آبدی‌ها دارای خدمات بالا و برتر بوده‌اند، در جایگاه روستاهای مرکزی انتخاب شده‌اند.

در شهرستان گرمسار، روستاهای حاجی‌آباد آتشگاه، نوده خالصه، لجران، ملیجان بالا، فند، قاطول در بخش مرکزی، روستاهای احمدآباد، حسین‌آباد کروس، کرک، شور قاضی، چشمه نادی، چنداب/ گنداب، شهرک صنعتی علی‌آباد در بخش ایوانکی، به عنوان روستاهای مرکزی انتخاب شده‌اند.



نقشه ۲: روستاهای مرکزی در دهستان‌های شهرستان گرمسار

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

مسکن

این شهرستان در سال ۱۳۹۵ دارای ۶۲۱۹۰ نفر جمعیت شهری و ۲۰۶۸۱ خانوار شهری بوده است. همچنین این شهرستان دارای ۱۵۲۳۱ نفر جمعیت روستایی و ۴۸۸۳ خانوار روستایی بوده است.

تعداد کل واحدهای مسکونی در این شهرستان در سال ۱۳۹۵ برابر با ۲۴۷۸۹ واحد بوده است که ۲۰۲۵۶ واحد در مناطق شهری و ۴۵۳۳ واحد در مناطق روستایی بوده‌اند.

در سال ۱۳۹۵ متوسط تراکم خانوار در مناطق شهری این شهرستان برابر با $1/0.2$ خانوار و در مناطق روستایی برابر با $1/0.8$ خانوار می‌باشد؛ بنابراین تراکم خانوار در مناطق شهری کمتر از این نسبت در مناطق روستایی بوده است. همچنین تراکم نفر در واحد مسکونی در مناطق شهری این شهرستان برابر با $3/0.7$ نفر بوده، نفر و در مناطق روستایی $3/3.6$ نفر بوده که حاکی از تراکم بالا در مناطق شهری می‌باشد.

در همین سال تراکم خانوار در مناطق شهری و روستایی در سطح استان برابر با $1/0.2$ و $1/0.5$ خانوار در واحد مسکونی بوده و تراکم نفر در واحد مسکونی در مناطق شهری و روستایی استان معادل $3/3.8$ نفر و $3/2.6$ نفر بوده

است؛ که حاکی از تراکم خانوار یکسان در مناطق شهری و تراکم بالای خانوار در مناطق روستایی این شهرستان نسبت به سطح استان می‌باشد.

امور تولیدی

کشاورزی، منابع طبیعی و دام‌پروری

سطح اراضی زیر کشت محصولات سالانه آبی این شهرستان، در سال ۱۳۹۱ برابر ۳۰۳۳۵ هکتار بوده و تا سال ۱۳۹۵ تغییر نکرده است. مساحت اراضی کشاورزی تجهیز و نوسازی شده در این شهرستان در سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۳۹۵ به ترتیب برابر با ۱۹۴، ۹۵، ۳۰۶، ۵۷، ۹۵ هکتار می‌باشد.

در مجموع از سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۳۹۵ معادل ۲۶۵۶/۱ هکتار ساماندهی مالکیت شده و برای آن اسناد اراضی کشاورزی صادر شده است. کل محصولات زراعی آبی در سال ۱۳۹۵ معادل ۱۱۸۱۰۹ تن بوده است که نسبت به سال ۱۳۹۱، به میزان ۱۱/۳۲ درصد کاهش داشته است.

سطح زیرکشت باغات مثمر در سال ۱۳۹۵ برابر ۵۰۱۸ هکتار، محصولات گلخانه‌ای ۱۸/۶۶ هکتار بوده است. تولید محصولات باغی در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۱، دارای رشد ۱۸/۸۴ درصدی و محصولات گلخانه‌ای ۸/۱۱ درصد کاهش نشان می‌دهد.

تعداد واحد دامی در سال ۱۳۹۱ برابر ۲۵۰۵۵۷ واحد دامی و در سال ۱۳۹۵ برابر ۲۷۷۲۲۰ واحد دامی است که رشد ۱۰/۶۴ درصدی داشته است. علیرغم افزایش تعداد واحد دامی، میزان فرآورده‌های دامی طی همین دوره به ۴/۴۷ درصد کاهش داشته است.

میزان تولید گوشت قرمز در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۱ رشد منفی ۲/۰۹ درصدی داشته است. تولید گوشت مرغ کاهش ۱۳/۲۵ درصدی، تولید شیر افزایش ۵۳ / ۱ درصدی و تولید تخم‌مرغ کاهش ۲۳/۲۸ و تولید عسل دارای رشد منفی ۱۷/۵۹ درصدی بوده است.

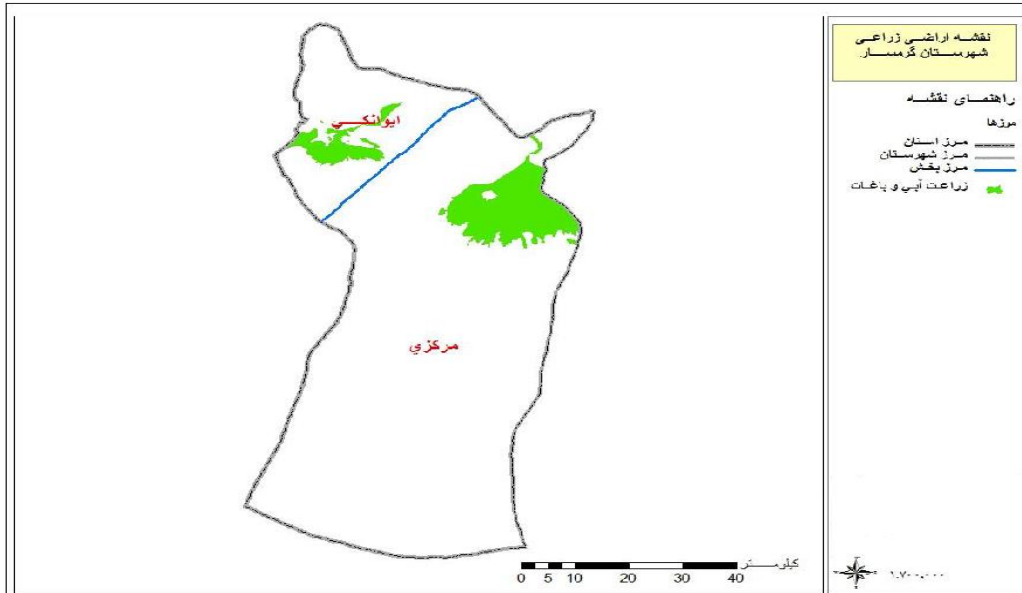
در سال ۱۳۹۵ تعداد گاوداری‌های پرواری ۷۶، گاوداری‌های شیری ۴۷، تعداد گوسفندداری ۲۵، تعداد مرغداری گوشتی ۲۱ و مرغداری تخم‌گذار ۲ واحد بوده است.

ظرفیت مرغداری‌های پرورش مرغ گوشتی در سال ۱۳۹۵، برابر با ۱۱۷۹/۸ ۱۱۷۹ هزار قطعه بوده، مرغداری‌های پرورش مرغ تخم‌گذار ۱۰۳ هزار قطعه بوده است.

تعداد استخرهای پرورش ماهی در سال ۱۳۹۵ در این شهرستان، ۱۹ استخر، با مساحت ۲/۸ هکتار و تولید ۲۷ تن گوشت ماهی بوده است.

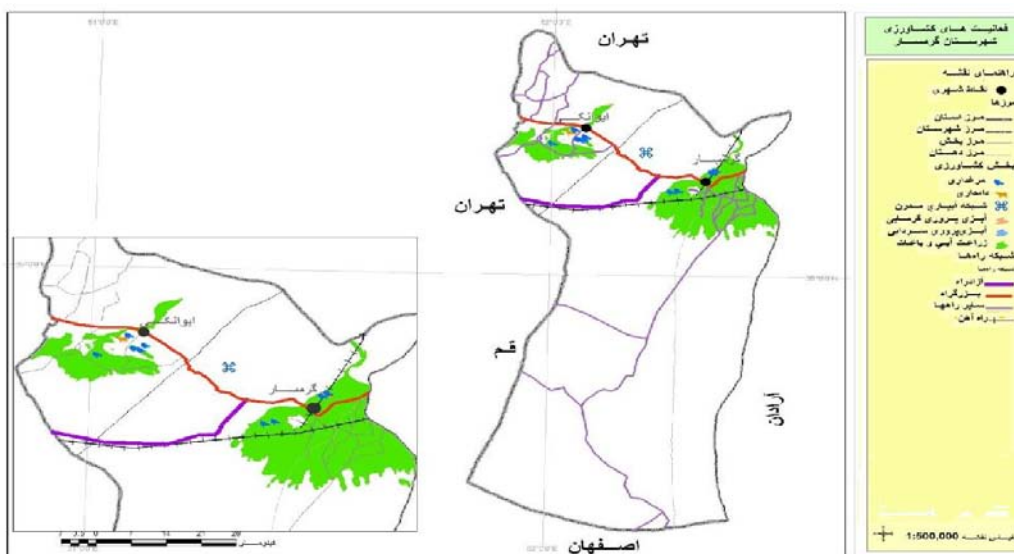
سطح زیر کشت محصولات عمده زراعی گندم در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال قبل کاهش ۱۷/۱۶ درصدی، پسته رشد ۲۰/۵۸ درصدی، جو کاهش ۰/۴۶ درصدی است و به همین ترتیب، سطح زیر کشت محصول عمده باغی زردآلو رشد ۹/۰۹ درصدی، یونجه کاهش ۱۳/۰۱ درصدی و انار رشد ۰/۱۲ درصدی بوده است.

طول کانال‌های آبیاری در این شهرستان ۱۱۱۲ کیلومتر بوده که ۱۷/۹ کیلومتر آن طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ بهسازی شده است. در طی همین دوره ۳ کیلومتر از قنوات شهرستان احیاء و تجهیز شده است. تعداد چاه‌های کشاورزی مجاز در شهرستان برابر با ۲۵۴ حلقه چاه بوده که ۲۱۶ حلقه چاه، برقرار شده است.



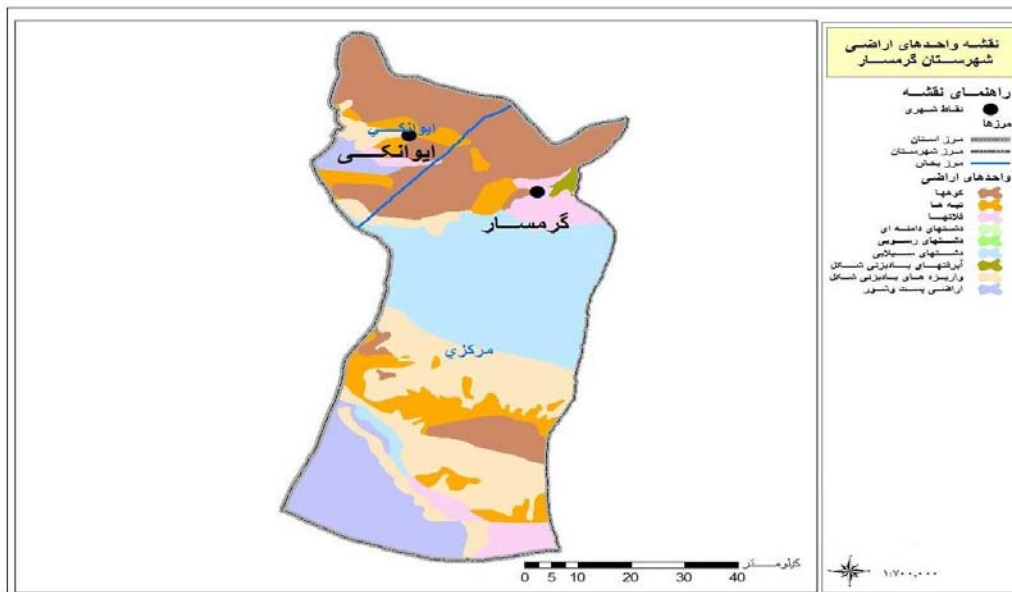
نقشه ۳: پراکنندگی زمین‌های زراعی و محدوده دشت‌ها در شهرستان گرمسار منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

بیش از ۷۰ درصد اراضی کشاورزی شهرستان گرمسار در قسمت شرق میانی این شهرستان و در حاشیه منطقه شهری گرمسار واقع شده است. بقیه این اراضی در قسمت شمال شرقی شهرستان و در پایین دست شهر ایوانکی قرار گرفته است؛ بنابراین عمده فعالیت‌های زراعی در محدوده استقرار شهرها انجام می‌گیرد. دشت گرمسار مورد مطالعه قرار گرفته و دارای شبکه‌های آبیاری و زهکشی مدرن می‌باشد.



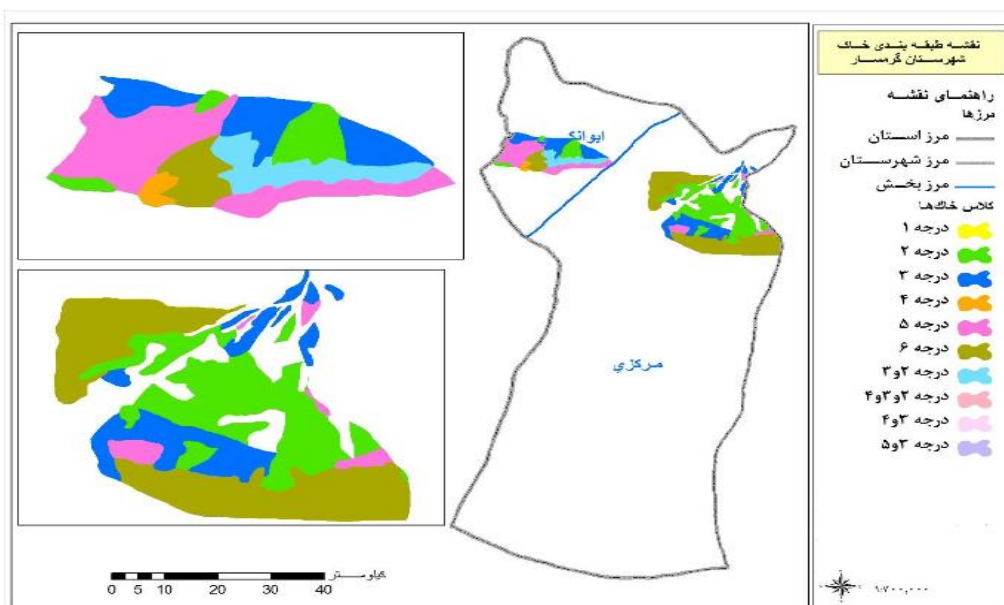
نقشه ۴: توزیع انواع واحدهای دام‌پروری و پرورش طیور صنعتی، زنبورداری، پرورش آبزیان و ... در شهرستان گرمسار منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

مراتع متراکم و نیمه متراکم این شهرستان در قسمت شمالی آن در مناطق کوهستانی واقع شده و مراتع کم تراکم عمدتاً در بخش جنوبی شهرستان واقع شده و مناسب برای فعالیت‌های دامداری و مرتعداری می‌باشد. کلیه مرغداری‌های این شهرستان در حاشیه شهرهای گرمسار و ایوانکی ایجاد شده‌اند. دامداری‌های این شهرستان در اطراف شهر ایوانکی مستقر شده‌اند.



نقشه ۵: واحدهای اراضی در شهرستان گرمسار منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

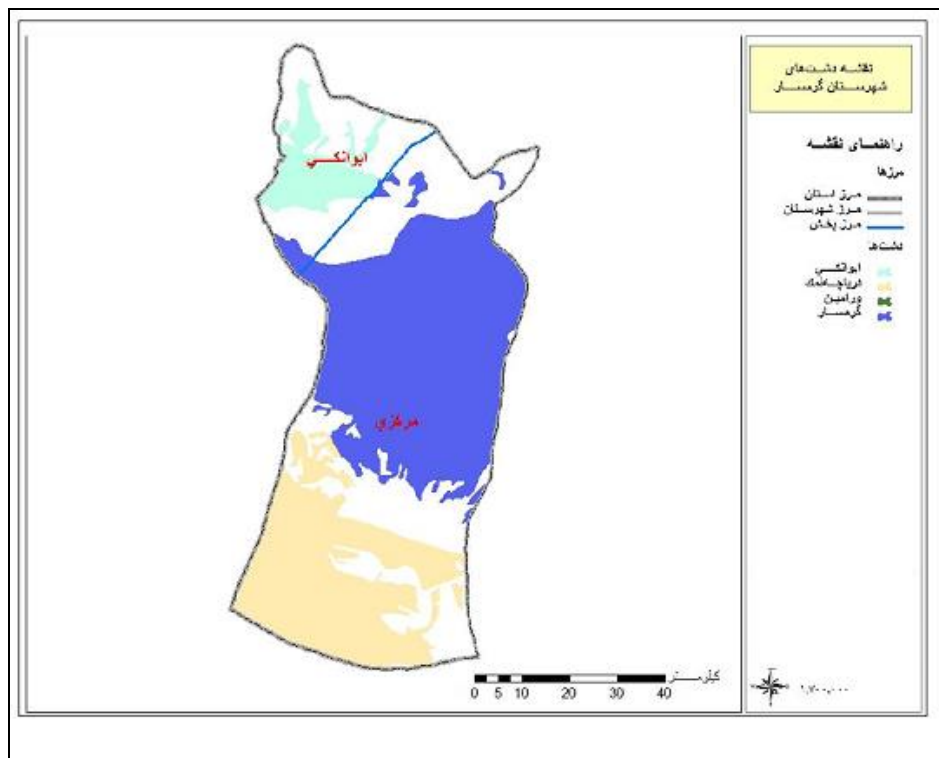
از دیدگاه ریخت زمین‌شناسی (ژئومورفولوژی)، استان سمنان و شهرستان گرمسار از سه گستره نمایان کوهستانی، دشت و کویر شکل گرفته است. ۱۹/۷۳ درصد اراضی از تیپ کوه‌ها؛ ۱۰/۳۸ درصد تیپ تپه، ۴/۱۲ درصد تیپ دشت‌های دامنه‌ای، ۲/۲۷ درصد اراضی پست، ۳۸/۳۲ درصد دشت سیلابی، ۲۳/۴۳ درصد تیپ وایزه‌های باد بزنی شکل سنگریزه دار و ۱/۷۴ درصد تیپ آبرفت‌های بادبزنی شکل سنگریزه دار می‌باشند.



نقشه ۶: طبقه‌بندی خاک در شهرستان گرمسار منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

از کل مساحت این شهرستان ۶۶۲۹۵ هکتار مورد مطالعه خاکشناسی قرار گرفته است. وسعت اراضی درجه II ۳۲/۷۸ درصد (معادل ۱۵۱۷۴ هکتار) اراضی درجه III (۱۹/۴۳ درصد، معادل ۶۹۹۷ هکتار) اراضی درجه IV ۰/۸۱ درصد (معادل ۳۷۵ هکتار) اراضی درجه ۱۴/۹۸۷ درصد (معادل ۶۹۳۷ هکتار) و اراضی درجه VI معادل (۳۱/۹۹) ۱۴۸۱۲ هکتار می‌باشد. این شهرستان فاقد اراضی دارای خاک از نوع درجه I می‌باشد.

قلمرو دشت‌ها در شهرستان گرمسار



نقشه ۷: قلمرو دشت‌ها در شهرستان گرمسار منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

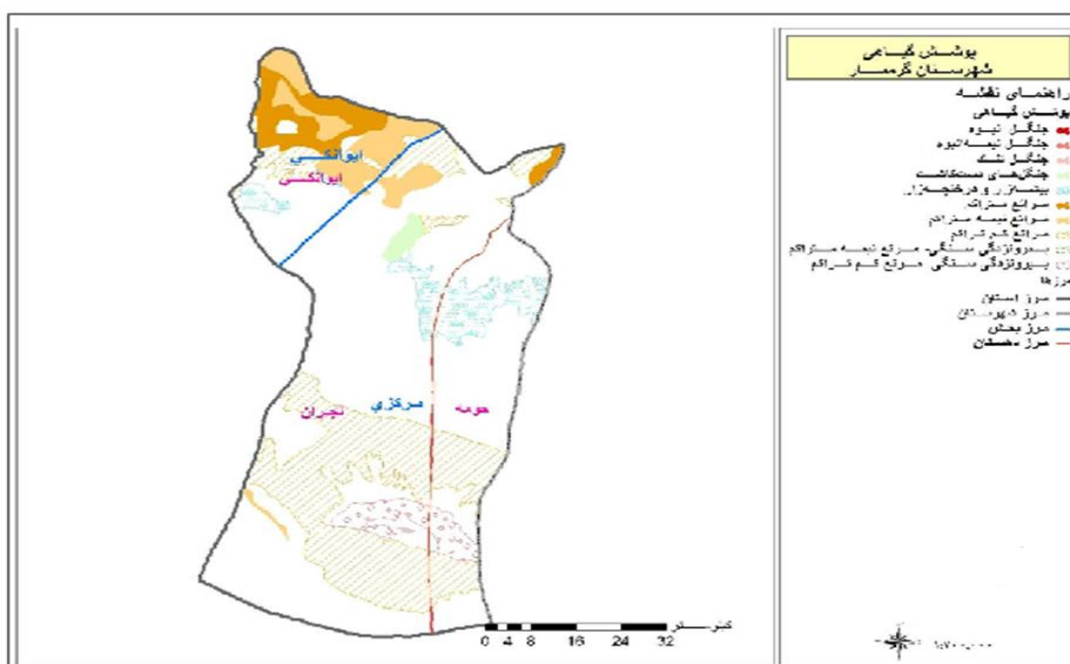
بخشی از دشت‌های ایوانکی، دریاچه نمک، ورامین و گرمسار در این شهرستان واقع شده است. وسعت دشت‌های دامنه‌ای در این شهرستان ۲۱۳۱۲ هکتار و دشت‌های سیلابی ۱۹۶۳۶۶ هکتار می‌باشد. همچنین ۱۱۷۶۶ هکتار از اراضی این شهرستان را اراضی پست تشکیل می‌دهد.

منابع طبیعی

از کل جنگل‌های استان ۵/۲۰ درصد (شامل جنگل‌های ارس و جنگل‌های بیابانی) از کل مراتع ۲/۹۸ درصد، از کل بیابان ۵/۴۰ درصد و از کل سطوح آبخیزداری ۵/۷۱ درصد مربوط به شهرستان گرمسار می‌باشد. سطح جنگل‌ها در شهرستان گرمسار ۲۳۹۰۸ هکتار بوده که ۵/۲۰ درصد از کل جنگل‌های استان را شامل می‌شود. میزان این جنگل‌ها در سال ۱۳۹۵ نسبت به ۱۳۹۱ تغییری نداشته است. از جنگل‌های شهرستان گرمسار ۰/۸۵ درصد را جنگل‌های ارس ۹۹/۱۵ درصد را جنگل‌های بیابانی تشکیل می‌دهند. در این شهرستان جنگل‌های طبیعی انبوه وجود نداشته، ۴۴/۳۹ درصد را جنگل‌های طبیعی نیمه انبوه و پراکنده و ۵۵/۶۱ درصد را جنگل‌های دست کاشت

و... تشکیل می‌دهد. بخش زیادی از عرصه‌های شهرستان فاقد پوشش گیاهی و توان بیولوژیک بوده که تحت عنوان اراضی بیابانی محسوب می‌شود و سطح بیابان در شهرستان گرمسار ۲۸۴۸۷۳ هکتار می‌باشد که ۵/۴۰ درصد از کل بیابان‌های استان را شامل می‌شود.

سطح جنگل‌ها در شهرستان گرمسار ۲۳۹۰۸ هکتار بوده که ۵/۲۰ درصد از کل جنگل‌های استان را شامل می‌شد. میزان این جنگل‌ها در سال ۱۳۹۵ نسبت به ۱۳۹۱ تغییری نداشته است. از جنگل‌های شهرستان گرمسار ۰/۸۵ درصد را جنگل‌های ارس ۹۹/۱۵ درصد را جنگل‌های بیابانی تشکیل می‌دهند. در این شهرستان جنگل‌های طبیعی نیمه انبوه و پراکنده و ۶۱/۵۵ دست کاشت و تشکیل می‌دهد. بخش زیادی از عرصه‌های شهرستان فاقد پوشش گیاهی و توان بیولوژیک بوده که تحت عنوان اراضی بیابانی محسوب می‌شود و سطح بیابان در شهرستان گرمسار ۲۸۴۸۷۳ هکتار می‌باشد که ۵/۴۰ درصد از کل بیابان‌های استان را شامل می‌شود. کل مراتع شهرستان در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ معادل ۱۱۱۶۸۰ هکتار می‌باشد. ۷۰/۱۳ درصد آن را مراتع ضعیف و فقیر دارای تراکم کم، ۲۸/۶۵ درصد را مراتع متوسط و ۱/۲۲ درصد را مراتع مترکم تشکیل می‌دهد. میزان تولید علوفه (خشک) مراتع در شهرستان گرمسار به میزان ۶۲۰۳ تن بوده که ۳/۰۸ درصد از کل علوفه تولید شده استان را شامل می‌شود. سطح حوزه آبخیز (به جز مناطق کویری و بیابانی) ۳۱۵۶۳۰ هکتار بوده که ۵/۷۱ درصد از کل سطح حوزه آبخیز استان را دارا می‌باشد و کل آن مربوط به حوزه آبخیز فاقد سد می‌باشد. ۳/۳۸ درصد از مراتع قشلاقی و ۲/۴۹ درصد از مراتع ییلاقی کل استان در شهرستان گرمسار قرار دارد.



محیط زیست

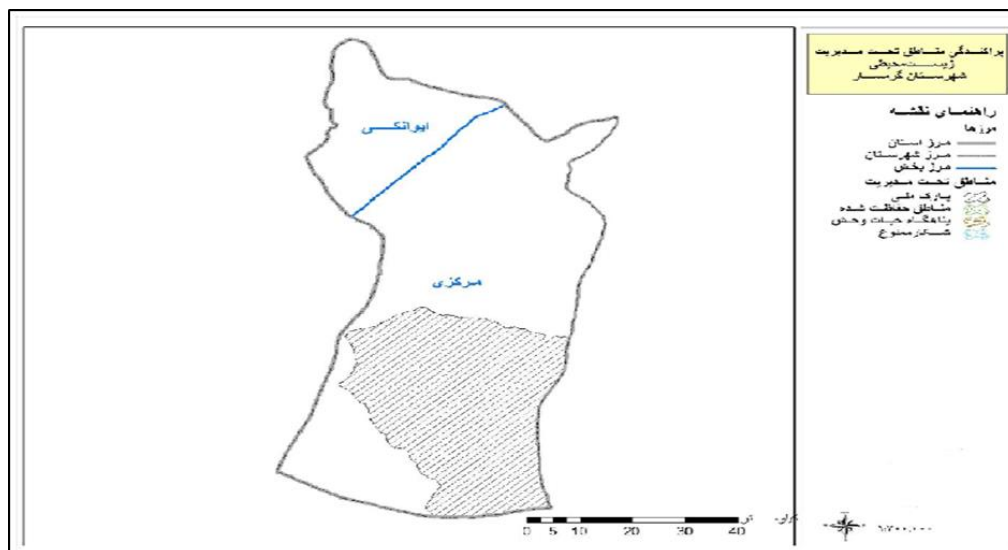
این شهرستان با وسعتی معادل ۵۱۸۲ کیلومترمربع در غرب استان واقع شده است. یکی از پراهمیت‌ترین مناطق تحت حفاظت سازمان محیط‌زیست در حوزه این شهرستان قرار دارد و اهمیت آن به آن حد است که به عنوان ذخیره‌گاه

زیست‌کره جهانی ثبت شده است. منطقه حفاظت شده کویر در سال ۱۳۵۵ به مساحت ۴۴۲۲۱۲ هکتار به پارک ملی ارتقاء یافت که هم‌اکنون مدیریت آن در اختیار اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان سمنان بوده و بزرگ‌ترین پارک ملی کشور، بدون هرگونه معارض و فعالیت‌های انسانی و سکونتگاهی می‌باشد.

اقلیم این منطقه به شدت تحت تأثیر دو اقلیم دشت کویر که عمدتاً از نمک پوشیده شده و دریاچه نمک که بلافاصله در خارج مرز در سمت غربی پارک واقع می‌باشد، قرار گرفته است. پارک ملی کویر اگرچه پوشیده شده است از گیاهان استپی و بیابانی، اما سرزمینی لم یزرع با دشت‌های هموار است. میزان بارندگی سالیانه این پارک به طور متوسط ۱۵۰ میلی‌متر بوده که بیشتر مربوط به ماه‌های بین آذر تا اردیبهشت‌ماه می‌باشد. در بعضی از ماه‌ها (معمولاً دی و بهمن) پارک ملی کویر پوشیده از برف می‌باشد.

در تمام منابعی که راجع به مهم‌ترین شاخص شناسایی پارک ملی عنوان می‌گردد، از سیاه کوه به عنوان نمونه بارز و شاخص منطقه یاد می‌شود. این کوه با داشتن صخره‌های نیم‌دایره‌ای بزرگ که از دور به صورت سوزن‌هائی که از دل کوه بیرون زده، دیده می‌شوند، شناخته می‌شود. از کوه‌های مهم دیگر این منطقه، کوه ملک‌آباد و کوه چشمه کریم را می‌توان نام برد. از دشتهای این منطقه هم می‌توان به دشت شکر آب، دشت چخماقیه، دشت سینه ریگی اشاره داشت. از چشمه‌های این پارک می‌توان به چشمه نخجیر، چشمه پیغمبر، چشمه لکاب، چشمه طلحه، چشمه میش مست و چشمه گنداب اشاره کرد.

پارک ملی کویر بین بیابان و استپ قرار گرفته است، از این رو به آن آفریقای کوچک هم گفته می‌شود. چنین وضعیتی باعث ایجاد تنوع در رویش انواع گیاهان در این منطقه شده است. از گیاهان این منطقه می‌توان به بنه، تاغ، گز، شور، اشنیا، قیچ، انواع گون و درمنه، گرگ تیغ، خنجک، افدرا، خارشتر، نی، سازو، جگن و ... اشاره کرد. در شهرستان گرمسار ۳ پاسگاه محیط‌بانی و ۱ ایستگاه‌های سنجش و پایش آلودگی هوا وجود دارد. ۳ درصد از مناطق تحت پوشش و مدیریت مناطق محیط‌زیست به کل وسعت استان در این شهرستان قرار گرفته است.



نقشه ۹: منطقه‌های تحت مدیریت زیست‌محیطی شهرستان گرمسار

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

منابع آب

پتانسیل آب سطحی شهرستان گرمسار در سال ۱۳۹۴ حدود ۱۵۰ میلیون مترمکعب بوده است. این شهرستان بالاترین پتانسیل آب‌های سطحی حوضه‌های استان سمنان را دارا می‌باشد. از رقم مذکور بخشی به صورت تبخیر و تعرق و بخشی نیز به با نفوذ در مخازن آب زیرزمینی استان از دسترس خارج می‌گردد. در این سال حجم آب بهره‌برداری شده از منابع آب سطحی ۶۳/۲ میلیون مترمکعب بوده است؛ که همگی در بخش کشاورزی، مصرف شده است. حجم آب تنظیم شده از طریق تأسیسات آب موجود شهرستان در سال ۱۳۹۴، معادل ۲۵۰ میلیون مترمکعب بوده است که ۱۲۶ میلیون مترمکعب توسط بند انحرافی و ۱۲۴ میلیون مترمکعب به وسیله شبکه آبیاری با راندمان ۹۵ درصد، مهار شده است. رودهای استان سمنان از دامنه‌های جنوبی رشته کوه البرز سرچشمه گرفته و اغلب به دشت کویر می‌ریزند. جهت جریان این رودها از شمال به جنوب می‌باشد. این رودها در سرچشمه معمولاً آب شیرین و گوارا دارند. ولی با عبور از نمک زارها و زمین‌های گچی، شور شده و دارای املاح زیادی می‌شوند. طول این رودها معمولاً کوتاه است؛ زیرا که فاصله میان کوهستان تا دشت کم است (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۳).

منابع آب زیرزمینی شهرستان به سه روش، بهره‌برداری مستقیم از چشمه، منابع آب زیرزمینی به روش قنات و حفر و استحصال آب از چاه در حال استفاده هستند. در سال ۱۳۹۵ از مجموع ۳۹۲ حلقه چاه عمیق، ۱۰۷ حلقه چاه نیمه عمیق، ۲۸ رشته قنات و ۲۱ دهنه چشمه جمعاً ۱۰۴/۳ میلیون مترمکعب آب استحصال شده است. از این مقدار، بیشترین سهم را چاه‌های عمیق یا ۹۹/۱ میلیون مترمکعب (۹۵) درصد و کمترین سهم را قنات و چشمه‌ها با ۱/۶ میلیون مترمکعب (۱/۸ درصد) دارا بوده‌اند. از چاه‌های نیمه عمیق ۳/۵۵ میلیون مترمکعب معادل ۳/۴۰ درصد منابع آب زیرزمینی بوده است.

بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آب‌های زیرزمینی در دشت‌های استان که عمدتاً ریشه در کمبود تأسیسات مطمئن مهار آب و کنترل روا آب‌های سطحی دارد، به همراه وضعیت خشک‌سالی در سال‌های اخیر موجب گردیده که روند افت سطح آب‌های زیرزمینی در دشت‌های استان و به تبع آن در شهرستان پیوسته تشدید گردد. متوسط عمق برخورد به آب در دشت گرمسار و ایوانکی به ترتیب، ۶۷/۳۱ و ۱۰۲/۴ متر و میزان افت سطح آب‌های زیرزمینی ۰/۹۴ و ۱/۳۳ متر است. هم‌چنین میزان کسری مخزن دشت گرمسار ۲۴/۹۹ و دشت ایوانکی ۸/۱۳ میلیون مترمکعب در سال ۱۳۹۴ گزارش شده است که بخشی از آن به دلیل بهره‌برداری بیش از حد مجاز از چاه‌های کشاورزی دارای پروانه بهره‌برداری می‌باشد. از طرفی به دلیل خطر شوری سفره‌ها و عدم وجود پتانسیل آب زیرزمینی در بخش وسیعی از استان و به تبع آن در شهرستان گرمسار و نیز هزینه‌های گزاف و کمبود اعتبارات، امکان توسعه منابع آب زیرزمینی وجود ندارد (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۷).

از مجموع ۱۵۶/۹۱ میلیون مترمکعب آب مصرفی شهرستان گرمسار در سال ۱۳۹۵، بخش کشاورزی با ۹۰/۶۶ درصد (۱۴۲/۲۶ میلیون متر مکعب) از مجموع بزرگ‌ترین مصرف‌کننده در سطح شهرستان بوده است. پس از آن بخش شرب و بهداشتی با ۶/۸ درصد (۱۰/۶۷ میلیون متر مکعب) و بخش صنعت با ۲/۵۴ درصد (۳/۹۸ میلیون متر مکعب) از

کل مصرف، در رده در رده‌های بعدی قرار دارند. مقایسه این آمار با مصرف آب در سال قبل، نشان دهنده عدم تغییر در مصرف آب می‌باشد (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸).

بر اساس آمار شرکت آب و فاضلاب استان، تعداد کل مشترکین آب در طی سال ۱۳۹۵ معادل ۲۷۷۵۵ مشترک بوده است. از ۲۷۷۵۵ مشترک آب این شهرستان در سال ۱۳۹۵، تعداد ۲۴۳۴۰ مشترک مربوط به مشترکین خانگی ۱۰۰۰ مشترک در بخش صنعتی، ۲۱۰۰ مشترک تجاری و مابقی مربوط به مشترکین فضای سبز، مصارف عمومی، آزاد و ... می‌باشد. میزان تولید سالیانه آب شهری این شهرستان در سال ۱۳۹۵ معادل ۱۷/۶۷ میلیون مترمکعب بوده که از این مقدار ۶/۱۷ میلیون متر مکعب مصرف شده است (کوئن، ۱۳۸۰).

میزان تأمین آب شرب روستایی از ۲/۵۴ به ۲/۳۴ میلیون مترمکعب کاهش و میزان مصرف منابع آب شرب روستایی از ۱ به ۱/۰۶ افزایش یافته است. آب شرب اغلب روستاها از منابع آب چشمه، قنات و یا چاه‌ها تأمین می‌گردد که در حال حاضر به دلیل کاهش بارش، افزایش برداشت از منابع آب زیرزمینی بیش از میزان تجدید شوندگی آن، این منابع خشک شده و یا کیفیت آن‌ها نزول یافته است. لذا برای تأمین پایدار آب شرب این مناطق، ناگزیر باید به فکر منابع جدید بود که آن هم نیازمند اعتبارات بسیار بوده و هم به لحاظ زمانی، به فوریت امکان‌پذیر نیست (قاسمی اردهابی، ۱۳۸۵).

در طی سال‌های اخیر در راستای برنامه‌های تأمین آب و ابرسانی به شهرها و صنایع، اقدامات متعددی مانند احداث بند انحرافی، تقویت مصنوعی سفره‌های آب زیرزمینی، انجام طرح‌های مطالعاتی و تهیه نقشه پهنه‌بندی، ساخت مخزن و تجهیز چاه و چندین طرح دیگر انجام شده است. از مهم‌ترین طرح‌های انجام شده و یا در دست اجرا در سطح شهرستان که از سال‌های قبل شروع شده و همچنان ادامه دارند، می‌تواند به موارد زیر اشاره کرد:

- سد انحرافی و شبکه آبیاری دشت گرمسار
 - سد انحرافی و کانال انتقال آب سیمین دشت
 - سد مخزنی نمرود جهت بهبود کمی و کیفی آب موردنیاز شرب، کشاورزی و صنعت (فیروزنیا، ۱۳۸۵).
 - اجرای سه پروژه تغذیه مصنوعی در سطح شهرستان
- مشخصات شبکه آبیاری گرمسار به شرح ذیل است:

نوع کانال: شبکه بتنی

طول کانال شبکه: ۳۶۰ کیلومتر

اراضی تحت پوشش شبکه: ۳۲۰۰۰ هکتار

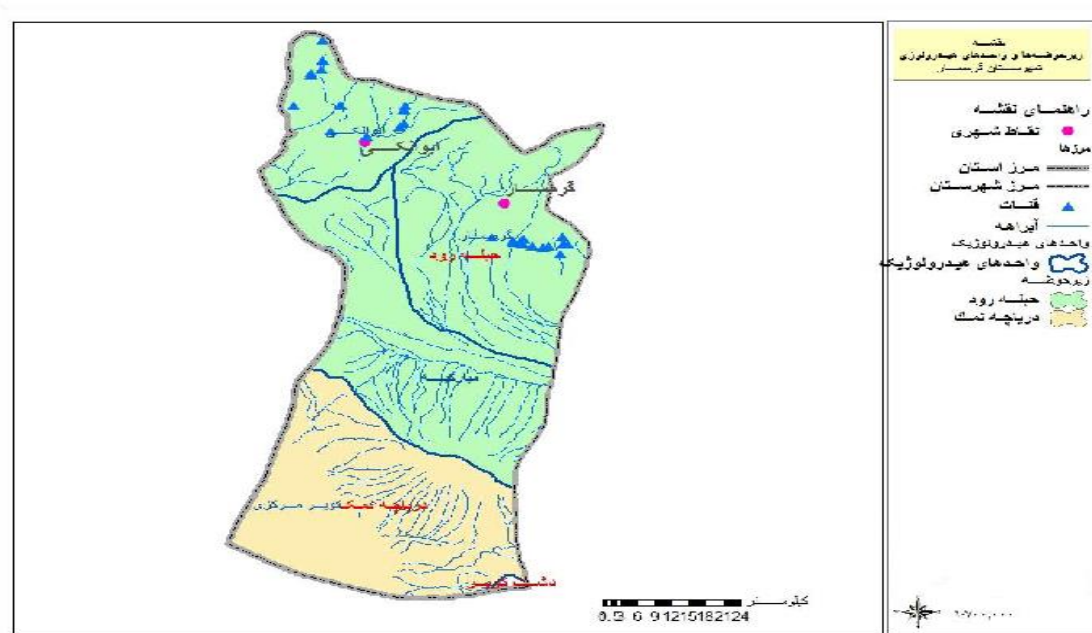
آبرسانی به ایوانکی

تأمین آب شرب شهر ایوانکی به میزان ۳ میلیون مترمکعب در سال می‌باشد. با اجرای این طرح، آب مطمئن برای افق سال ۱۴۰۵ برای محدوده طرح تأمین می‌گردد (عاشری، ۱۳۸۳).

جدول ۳: شاخص‌های توزیع منابع آب شهرستان گرمسار

تأسیسات	واحد	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵
تعداد مشترکین آب شهری	مشترک	۲۳۸۵۰	۲۵۷۸۲	۲۶۳۵۶	۲۷۲۰۲	۲۷۷۵۵
تعداد مشترکین آب خانگی	مشترک	۲۱۲۱۰	۲۲۸۰۶	۲۳۰۱۹	۲۳۴۷۲	۲۴۳۴۰
تعداد مشترکین آب صنعتی	مشترک	۳۵	۴۸	۸۰	۱۰۰	۱۰۰
تعداد مشترکین آب تجاری	مشترک	۱۶۰۰	۱۸۵۳	۲۰۰۰	۲۰۷۰	۲۱۰۰
تعداد خانوار برخوردار از آب آشامیدنی سالم	خانوار	۱۷۱۰۸	۱۷۴۴۷	۱۷۷۹۳	۱۹۵۳۸	۲۰۷۹۵
جمعیت شهری دارای شبکه آب آشامیدنی سالم	نفر	۵۴۷۴۵	۵۵۸۳۰	۵۶۹۳۸	۶۲۵۲۰	۶۶۵۴۳
حجم آب تولیدی شهری در سال	مترمکعب	۶۴۸۸۴۶۸	۶۸۳۶۵۵۴	۶۹۳۱۲۹۰	۷۰۶۶۶۳۰	۷۱۹۹۶۱۱
مصرف سالانه آب شهری توسط مشترکین	مترمکعب	۵۱۰۳۷۷۹	۵۴۲۶۸۶۵	۵۵۱۱۶۰۱	۵۶۵۱۰۰۴	۶۱۷۲۹۵۷
حجم آب تولیدی شهری فروخته شده در سال	مترمکعب	۵۱۰۳۷۷۹	۵۴۲۶۸۶۵	۵۵۱۱۶۰۱	۵۶۵۱۰۰۴	۶۱۷۲۹۵۷
حجم مخزن آب شهری (مترمکعب)	مترمکعب	۱۸۵۰۰	۱۸۵۰۰	۱۸۵۰۰	۱۸۵۰۰	۱۸۵۰۰
طول شبکه توزیع آب شهری	کیلومتر	۲۷۲	۲۷۴	۲۷۵	۲۷۸	۲۸۲

منبع: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان سمنان



نقشه ۱۰: حوضه‌های آبریز و قنات‌ها در شهرستان گرمسار

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

ساختار فضایی سکونتگاه‌های روستایی

پایگاه جغرافیایی و ویژگی‌های زیست‌بومی هر سرزمین، جایگاه مهمی در پیشرفت گستره‌های روستایی دارد. در سرزمین‌های جلگه‌ای و دشت‌های هموار و بارور، نوآوری و دگرگونی، در پیشرفت و آبادانی، تندتر انجام می‌گیرد؛ اما در گستره‌های نامناسب کوهستانی و کویری، پیشرفت و آبادانی روستاها با تنگناهای زیست‌بومی و اجتماعی مواجه و آهنگ تغییر آن کند می‌شود. در شهرستان گرمسار، پهنه جغرافیایی، به دلیل گونه‌گونی عوامل جغرافیایی، دارای ساختار زیست‌بومی متفاوتی است. وجود جاهای نسبتاً مرتفع در شمال گستره‌ای به نسبت نامتجانس و ناهمگونی در آن به وجود آورده است. در برابر، بخش‌های میانی و جنوبی شهرستان که دارای جلگه

های پست و دره‌های به نسبت بلند بین گستره‌های کوهستانی و کوهپایه‌ای می‌باشد، پهنه‌های مناسبی را برای سکونت و کار فراهم ساخته است. در گستره‌های ناهموار کوهستانی استان، آبادی‌ها بیشتر، در کوهپایه‌ها، دره‌ها و کرانه‌های رودخانه‌ها جای یافته‌اند. از بارزترین ویژگی‌های آبادی‌های این گستره‌ها به تجمع بخش زیادی از سکونتگاه‌های روستایی در اطراف شهر گرمسار می‌باشد. تعداد کمی از سکونتگاه‌های روستایی نیز در محدوده شهر ایوانکی به صورت پراکنده دیده می‌شوند (طاهرخانی، ۱۳۸۰).

در کل، در شهرستان گرمسار، گستره‌های کوهستانی، از ویژگی‌های زیست بومی مناسب برای جانمایی آبادی‌ها برخوردار نبوده و تعداد اندکی به صورت پراکنده در این مناطق جای گرفته‌اند. در برابر، دشت‌های استان که در پهنه‌های بین کوهستان و گستره‌های مرکزی، گسترش یافته‌اند، گستره‌های همواری هستند که بستری مناسب جهت جانمایی آبادی‌ها و شکل‌گیری مرکزهای متراکم جمعیتی و کار می‌باشند. جانمایی آبادی‌ها در این پهنه‌ها به گونه متراکم، در پیرامون کانون‌های شهری یا روستایی بزرگ شکل گرفته است. سهم جمعیت روستایی این شهرستان نسبت به کل جمعیت شهرستان، در طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ روند کاهشی داشته است. به طوری که سهم آن در سال ۱۳۵۵ برابر ۵۳/۱۶ درصد بوده که در سال ۱۳۶۵ به ۴۳/۶۰ درصد تنزل نموده است. در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۲ این سهم به ۵۲ درصد افزایش یافته است (شکوئی، ۱۳۸۳). از سال به بعد سهم جمعیت روستایی، به کل جمعیت شهرستان روند کاهشی داشته است. این نسبت در سال ۱۳۷۵، معادل ۲۵/۴۲ درصد، در سال ۱۳۸۵ معادل ۲۰/۸۹ و در سال ۱۳۹۰ معادل ۱۹/۴۲ درصد بوده است. با توجه به اینکه مساحت شهرستان گرمسار که معادل ۵۱۸۲ کیلومتر مربع می‌باشد، تراکم جمعیت روستایی در هر کیلومتر مربع معادل ۳/۹۴ نفر می‌باشد. شهرستان گرمسار بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۸۹ سکنه بوده است. حدود ۴۴/۹ درصد این آبادی (۴۰ آبادی) دارای جمعیتی کمتر از ۲۵ نفر داشته‌اند. ۹ درصد آبادی (۸ آبادی) دارای جمعیتی بین ۲۵ تا ۴۹ نفر، ۹ درصد (۸ آبادی)، دارای جمعیتی بین ۵۰ تا ۹۹ نفر، ۱۲/۴ درصد (۱۱ آبادی) دارای جمعیتی بین ۱۰۰ تا ۲۴۹ نفر، ۱۳/۵ درصد (۱۲ آبادی)، دارای جمعیتی بین ۲۵۰ تا ۴۹۹ نفر، ۱۰/۱ درصد (۹ آبادی) دارای جمعیتی بین ۵۰۰ تا ۹۹۹ نفر و ۱/۱ درصد (۱ آبادی) دارای جمعیتی بین ۱۰۰۰ تا ۲۴۹۹ نفر بوده است (زنجانی، ۱۳۸۰).

یافته‌ها

محور توسعه روستاها بطور سنتی کشاورزی تعریف شده، اما محدودیت منابع طبیعی در برخی از روستاها، باعث رکود اقتصادی شده و توسعه کشاورزی به توسعه اقتصادی همه روستاهای منتج نشده است. امروزه روستاها محیط مناسبی برای رشد بخش‌های غیرکشاورزی و فعالیت شرکت‌های تولیدی و خدماتی شناخته شده است این موضوع در واقع نوعی حرکت از کسب و کارهای مبتنی بر منابع طبیعی به سمت کسب و کارهای مبتنی بر دانش است. وضعیت جامعه روستایی ایران نشان می‌دهد که با افزایش سطح سواد، دانش و مهارت‌های علمی و عملی، گرایش به اشتغال در بخش‌های سنتی اقتصاد کمتر شده و میل برای اشتغال در بخش‌های مدرن و خدماتی بیشتر است. مزایای روستا در کشور باعث شده است تا در سال‌های اخیر در سیاست‌گذاری توسعه ملی توجه بیشتری را به خود جلب

کرده این روستاها با نقاط قوت و فرصت های متنوع پیش رو، به لحاظ مدیریتی به ویژه با مشکلات زیرساختی زیادی روبرو هستند؛ و غالباً از مناسبات اقتصادی و اجتماعی برخوردارند. از این رو نیازمند مدیریت ویژه هستند، روستاها نیز در این زمینه، مشکلات خاص خود را دارند؛ از این رو، اگر برنامه ها و استراتژی های مناسب در زمینه ی حل مشکلات روستا در تمامی سطوح ملی، منطق های و محلی اتخاذ نگردد، این مشکلات در کشور همچنان وجود خواهند داشت (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۳).

توسعه کشاورزی به تنهایی نمی‌تواند رشد اقتصادی را در روستاهای کشور تضمین کرده و فقر را ریشه‌کن سازد و توجه به سایر بخش‌ها نیز در کنار بخش کشاورزی ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به این نکته، تاکنون برنامه‌های متعددی با هدف توسعه روستایی در کشور به اجرا در آمده است ولی همچنان پدیده مهاجرت از روستا به شهر و فقر و مشکلات روستائیان ادامه دارد و تعدادی از روستاهایی که نزدیک شهرهای بزرگ قرار دارند، نیز رشد کرده و تبدیل به شهر شده‌اند. بدین ترتیب جمعیت روستائیان روز به روز کاهش می‌یابد و با کاهش جمعیت، از میزان تقاضا برای کالاها و خدمات نیز کاسته می‌شود. این امر رکود اقتصادی را در روستاها به دنبال دارد. از چند سده اخیر و با رشد پرشتاب صنعت و فناوری در جهان، عقب‌ماندگی مناطق روستایی بیشتر عیان گردیده است. از آنجاییکه عموماً روستائیان نسبت به شهرنشینان دارای درآمد کمتری هستند و از خدمات اجتماعی ناچیزی برخوردار هستند، اقشار روستایی فقیرتر و آسیب‌پذیرتر محسوب می‌شوند که بعضاً منجر به مهاجرت آنان به سمت شهرها نیز می‌شود. علت این امر نیز پراکندگی جغرافیایی روستاها، نبود صرفه اقتصادی برای ارائه خدمات اجتماعی، حرفه‌ای و تخصصی نبودن کار کشاورزی (کم بودن بهره‌وری)، محدودیت منابع ارضی (در مقابل رشد جمعیت) و عدم مدیریت صحیح مسؤلان بوده است. به همین جهت، برای رفع فقر شدید مناطق روستایی، ارتقای سطح و کیفیت زندگی روستائیان، ایجاد اشتغال و افزایش بهره‌وری آنان، تمهید توسعه روستایی متولد گردید (بیک محمدی و مختاری ملک‌آبادی، ۱۳۸۲).

امروزه با توجه به رشد بی سابقه کلان روستاها در کشورهای در حال توسعه و به دنبال آن ظهور مسائل و مشکلات فراوان عده ای از محققان پیشنهاد کردند که برنامه ریزی های توسعه بر اساس تأکید بر تقویت روستاها در امر توسعه معتقد هستند که با تقویت روستا می توان توسعه را به سایر قسمت های منطقه تزریق نموده و به نوعی تعادل و توازن را در سطح منطقه ایجاد نمود هدف اصلی در این پایان نامه بررسی نقش روستاها در توسعه منطقه ای می باشد؛ و اینکه چگونه می توان با جلوگیری از مهاجرت ها به سمت شهر ها و به دنبال آن کاهش تمرکز زدایی توسعه را در سراسر منطقه ایجاد نمود. توزیع فضایی جمعیت در کشورهای جهان به خصوص در کشورهای درحال توسعه، عدم تعادل در شبکه ی استقرار جمعیت و بهره برداری از منابع سرزمین را نشان می دهد. درده های اخیر این عدم تعادل شدت بیشتری یافته است و کشورهای مختلف هر یک به فراخور حال خود راه حل هایی در جهت رفع آن برگزیده اند و به دنبال خطوطی برای توسعه ی آتی خود هستند؛ اما آنچه پر اهمیت می نماید این که برنامه هایی با هدف ارتقاء شرایط کیفی و کمی تدوین می شود، اغلب با کامیابی مواجه نمی گردد (مایکل، ۱۳۶۷).

در دنیای امروز، برنامه ریزی توسعه ملی به طور کلی و برنامه ریزی توسعه روستایی به-طور اخص، از ضروریات سرزمین-های مختلف به شمار می-رود. در این چارچوب، شکل‌دهی و نظم بخشی به عرصه‌های مکانی و فضایی در واقع از آغاز زندگی بشر و از زمان بهره‌گیری از منابع طبیعی پیوسته در مقیاس و مفهومی متفاوت مطرح بوده است. در این ارتباط هر چه سطح فرهنگ بالاتر رفته، شکل عمومی سازماندهی و انتظام محیط و ابزار و دانش گروه‌های انسانی پیشرفته‌تر شده است. رشد و گسترش گردشگری به شیوه متداول امروزی از جمله پدیده‌های مهم اواخر قرن بیستم است و نواحی روستایی و کوهستانی از مهم‌ترین عرصه‌هایی هستند که در زمینه گردشگری و فعالیت‌های وابسته به آن مورد توجه قرار گرفته‌اند. بسیاری از برنامه-ریزان و سیاستگذاران توسعه از فعالیت گردشگری به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار یاد می‌کنند و در این راستا می‌کوشند، با شناسایی مزیت‌ها و محدودیت‌های روستائی و امکان سنجی فعالیت گردشگری در این گونه محیط‌ها و نیز برنامه ریزی اصولی و مناسب، نقش موثری در تنوع بخشی به اقتصاد روستایی و توسعه ملی برعهده گیرند. آنچه مسلم است، این که توسعه گردشگری به طور فزاینده ای به صورت یک نوشدارو افزایش دهنده توان اقتصادی، بالابرنده قابلیت زیست در نواحی دور افتاده و محرک تجدید حیات، به حساب می‌آید (دانشور و همکاران، ۱۳۸۵). با این وجود، اگر گردشگری روستایی به نحوی مناسب برنامه ریزی و مدیریت شود، می‌تواند خالق یا محرک فرایند توسعه‌یافتگی برای حصول به پایداری توسعه در نواحی روستایی و نیز پایداری جوامع محلی در کلیه زیر شاخه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و همچنین فعالیت گردشگری به طور کلی به حساب آید. علی‌رغم این موضوع، گردشگری روستایی فعالیت پیچیده است که با دیگر بخش-های جامعه و اقتصاد ارتباط دارد؛ بدینسان، آثار و پیامد-های مختلف گردشگری می‌باید در فرایند برنامه ریزی به دقت مورد مطالعه قرار گیرد تا از عوامل منفی جلوگیری شود و تاثیرات مثبت عوامل اقتصادی و اجتماعی و محیطی مرتبط با آن افزایش یابد (قادری، ۱۳۸۲؛ ۱۸). بدین ترتیب، بهره برداری بهینه از توان‌های گردشگری روستایی به عنوان راهبردی مکمل توسعه روستایی می‌تواند گامی مطمئن برای ترقی و توسعه فضاهای روستایی در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی قلمداد شود.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

توسعه‌ی که در مناطق روستایی بیشتر مورد نظر بوده و لازم است تا برنامه‌ریزان روستایی مدنظر داشته باشند ایران متکی بر اصل‌های زیر است: ۱- کاهش شدت جریان مهاجرت روستاییان به شهر، بنحوی که مهاجرت روستایی رابطه معقول و متعادلی با توسعه خدمات، صنعت و کشاورزی پدید آورد. ۲- تمرکز یافتن جمعیت در محیط روستایی، جهت پدید آوردن مراکز روستایی بزرگتر تا روستاییان بتوانند تحت پوشش شبکه خدمات قرار گرفته و در عین حال پوشش کافی جمعیتی برای استقرار صنایع در محیط روستایی فراهم آید. ۳- انتظام بخشیدن به زراعت و دامداری در محیط روستا. ۴- تقویت کردن و تنوع بخشیدن به اشتغال غیر کشاورزی در محیط روستا. ۵- توسعه تعاونی‌های زراعی و دامداری در میان روستاییان ۶- توسعه اراضی اشباع در چارچوب نظام تعاونی جهت بالا بردن میزان تولید.

بنابراین باید برای رسیدن به توسعه روستایی، خصوصاً توسعه پایدار روستایی توجه به تعریف و اهداف توسعه و همچنین بکارگیری استراتژی‌هایی که برای توسعه روستایی در ایران در نظر گرفته شده لازم است. ضمناً در استراتژی‌های فوق باید به مسئله پایداری توسعه روستایی نیز دقت لازم صورت گیرد. آنچه امروزه در مورد توسعه در مناطق روستایی مطرح است، توسعه پایدار روستایی است. توسعه پایدار توسعه‌ای است که بتواند نیازهای کنونی بشر را تامین کند بدون آن که توانهای محیطی و زیستی نسل‌های آینده را در تامین نیازهایشان به مخاطره اندازد. هدف اصلی توسعه پایدار، تامین نیازهای اساسی، بهبود و ارتقا سطح زندگی برای همه، حفظ و اداره بهتر اکوسیستم‌ها و آینده‌ای امن‌تر و سعادت‌مندانه‌تر است.

توسعه‌ای که در مناطق روستایی بیشتر مورد نظر بوده و لازم است تا برنامه‌ریزان روستایی مد نظر داشته باشند به شرح زیر است.

- ۱- توسعه باید تغییری در جهت بهبود شرایط زندگی برای اکثریت مردم باشد.
- ۲- مردمی که از توسعه سود می‌برند باید بیشتر از مردمی باشند که از آن متضرر می‌شوند.
- ۳- توسعه باید دست کم مردم را نسبت به تامین حداقل نیازهای زندگی‌شان یا نیازهای ضروری زندگی‌شان مطمئن سازد.

۴- توسعه باید با نیازهای مردم هماهنگی و مطابقت داشته باشد.

۵- توسعه باید باعث تشویق خود اتکایی شود.

۶- توسعه باید بهبود طولانی و مستمر را به ارمغان آورد.

۷- توسعه نباید باعث تخریب محیط‌زیست طبیعی باشد

هدف‌های استراتژی توسعه روستایی، ایران متکی بر اصل‌های زیر است:

۱- کاهش شدت جریان مهاجرت روستاییان به شهر، بنحوی که مهاجرت روستایی رابطه معقول و متعادل با توسعه خدمات، صنعت و کشاورزی پدید آورد.

۲- تمرکز یافته شده کردن جمعیت در محیط روستایی، جهت پدید آوردن مراکز روستایی بزرگتر تا روستاییان بتوانند تحت پوشش شبکه خدمات قرار گرفته و در عین حال پوشش کافی جمعیتی برای استقرار صنایع در محیط روستایی فراهم آید.

۳- انتظام بخشیدن به زراعت و دامداری در محیط روستا

۴- تقویت کردن و تنوع بخشیدن به اشتغال غیر کشاورزی در محیط روستا

۵- توسعه تعاونی‌های زراعی و دامداری در میان روستاییان

۶- توسعه اراضی اشباع در چارچوب نظام تعاونی جهت بالا بردن میزان تولید.

بنابراین باید برای رسیدن به توسعه روستایی، خصوصا توسعه پایدار روستایی توجه به تعریف و اهداف توسعه و همچنین بکارگیری استراتژی‌هایی که برای توسعه روستایی در ایران در نظر گرفته شده لازم است. ضمنا در استراتژی‌های فوق باید به مسئله پایداری توسعه روستایی نیز دقت لازم صورت گیرد.

در برخی محافل، توسعه روستایی موضوعی منسوخ شده تلقی می‌شود این بدان معنی نیست که از شیوع یا شدت فقر روستایی در کشورهای جهان سوم در سال‌های اخیر کاسته شده است. بلکه در بخش‌های بزرگی از جهان این موضوع کاملا برعکس است؛ و دلیل آن این است که در طی ده تا پانزده سال گذشته اولویت‌های دولت‌ها و الگوهای بسیاری از کارگزاری‌های کمک‌کننده در حال تغییر بوده است. بانک جهانی، بر اساس تعریف محافظه‌کارانه اش، تعداد افرادی را که در کشورهای جهان سوم همچنان در فقر بسر می‌برند و با فلاکت و ناامنی ناشی از فقر دست به گریبان‌اند را بیش از یک میلیارد نفر برآورد می‌کند، در بسیاری از کشورهای بخصوص در جنوب صحرای آفریقا و جنوب آسیا، روستاییان فقیر نیمی از کل جمعیت را تشکیل می‌دهند.

در طی دهه ۱۹۷۰، الگوهای غالب در میان کارگزاری‌های یاری‌دهنده، توسعه بر کاهش فقر متمرکز بود، با اذعان به اینکه اکثریت خانواده‌ها، به خصوص در نواحی روستایی، عمدتا از منافع رشد اقتصادی کلان بی‌نصیب بودند. بالا بردن سطح قابلیت‌ها و آسایش فقرا می‌توانست آن‌ها را بیشتر در شکل دهی اقتصاد و جامعه شان سهیم کند. بر این اساس انتظار می‌رفت که به طرح‌های دولتی و موردنظر حامیان نیازهای اولیه، توجه شده و میزان بهره‌وری این اکثریت فراموش شده افزایش یابد. توجه خاص به فقرزدایی در دهه ۱۹۸۰ تحت الشعاع فرمول نئوکلاسیکی قرار گرفت.

چنانکه می‌دانیم اقتصاد کشورهای جهان سوم از جمله کشور ما اغلب بر تولیدات کشاورزی متکی است؛ و فعالیتهای کشاورزی هم غالبا در روستاها انجام می‌شود. لذا از یک طرف به خاطر بهبود بخشیدن به روش‌های سنتی تولیدات کشاورزی و بهره‌برداری بهینه از زمین و منابع تولید و توزیع محصولات کشاورزی و از سوی دیگر تخفیف گرسنگی و محو فقر و از طرف دیگر به منظور نو سازی اجتماعی و فرهنگی روستاها که خود منبعث از توجه به مسائل انسانی و ضرورت‌های سیاسی است، موضوع توسعه روستایی و اهمیت آن آشکار می‌گردد. برای همین هم هست که گفته‌اند مشکلات آینده جهان سوم اعم از بیکاری، فقر، کمبود درآمد، گرسنگی، کمبود تولید و غیره باید در روستاها حل و فصل گردد؛ بنابراین توسعه روستایی به خاطر حل مشکلات مزبور و مخصوصا برآوردن نیازهای اساسی مردم روستایی از اهمیت و اولویت خاصی برخوردار است. بررسی ضرورت‌های توسعه روستایی یک بحث کلی و دامنه‌داری است که نمی‌توان آن را در چند صفحه خلاصه کرد. لذا ما در اینجا تا حد امکان به بررسی آن می‌پردازیم.

به طور کلی ضرورت توجه به توسعه روستایی ناشی از عوامل زیر است:

۱- توسعه کشاورزی

۲- توزیع بهینه جمعیت

۳- استفاده از ظرفیت های تولیدی

۴- باز سازی ظرفیت های تولیدی

۵- باز سازی اقتصاد کشور

۶- عدالت اجتماعی، رفع فقر و محدودیتهای اجتماعی.

توسعه با شرایطی همراه است که عبارت‌اند از:

۱- میزان زیاد و پایدار پس اندازهای داخلی

۲- سرمایه گذاری بخش عمده ای از آن پس اندازها در صنایعی که به جای فناوری‌های کار اندوز از فناوری‌های کاربر بهره می‌گیرند

۳- میزان نسبتاً کم رشد جمعیت

در بیشتر کشورهای کمتر توسعه‌یافته کنونی، معدودی از این شرایط وجود دارد. میزان پس اندازها معمولاً پایین است و پس اندازها نه برای تولید صنعتی بلکه برای زمین، اموال غیر منقول شهری یا تجارت سرمایه گذاری می‌شوند؛ و سرمایه‌های داخلی به میزان قابل ملاحظه ای به مکان های امن در کشورهای صنعتی در آن سوی مرزها سرازیر می‌شود.

ضرورت و اهمیت توسعه روستایی در ایران با توجه به جایگاه، اهمیت و نقش جامعه روستایی و مسائل و مشکلاتی که این جامعه با آن مواجهه است و همچنین با توجه به شرایط کشور کاملاً روشن و آشکار است. طبق آخرین سرشماری جمعیت ایران در سال ۱۳۸۵، حدود ۳۱/۵ درصد از جمعیت کشور که معادل ۲۲۲۲۷۷۱ نفر است، در محیط روستایی زندگی می‌کنند (مرکز آمار ایران ۱۳۸۵، سرشماری نفوس و مسکن). هر چند که از ابتدای قرن اخیر بویژه از میانه این قرن به تدریج از سهم جمعیت روستایی کاسته شده و شهرنشینی گسترش یافته اما با توجه به آمار ارائه شده هنوز یک سوم جمعیت ایران در روستاها زندگی می‌کنند.

توسعه با شرایطی همراه است که عبارت‌اند از:

۱- میزان زیاد و پایدار پس اندازهای داخلی

۲- سرمایه گذاری بخش عمده ای از آن پس اندازها در صنایعی که به جای فناوری‌های کار اندوز از فناوری‌های کاربر بهره می‌گیرند

۳- میزان نسبتاً کم رشد جمعیت

در بیشتر کشورهای کمتر توسعه‌یافته کنونی، معدودی از این شرایط وجود دارد. میزان پس اندازها معمولاً پایین است و پس اندازها نه برای تولید صنعتی بلکه برای زمین، اموال غیر منقول شهری یا تجارت سرمایه گذاری می‌شوند؛ و سرمایه های داخلی به میزان قابل ملاحظه ای به مکان های امن در کشورهای صنعتی در آن سوی مرزها سرازیر می‌شود.

ضرورت و اهمیت توسعه روستایی در ایران با توجه به جایگاه، اهمیت و نقش جامعه روستایی و مسائل و مشکلاتی که این جامعه با آن مواجهه است و همچنین با توجه به شرایط کشور کاملاً روشن و آشکار است. رشد بی‌وقفه جمعیت در نواحی روستایی نیروی کار جوانی را بوجود آورده است که با توجه به فناوری-های مورد استفاده و نظام‌های رایج اجاره داری زمین و سازمان دهی تولید، بسیار بیشتر از تعدادی است که بتوان به طور مولد در اقتصاد روستایی به کارگمارد. پیامدهای این روندها را می‌توان در محله‌های فقیرنشین، حلبی‌آبادها و سکونتگاه‌های غصبی در نواحی شهری که روز به روز در حال گسترش هستند در جای‌جای جهان سوم مشاهده کرد. در آنجا کارگران بیکاری که از نواحی روستایی آمده‌اند ناامیدانه در جستجوی هر نوع کاری (بیشتر در بخش غیر رسمی) هستند. روستائیان فقیر در بسیاری موارد با سوء تغذیه و مشکلات حاد بهداشتی دست به‌گریبان‌اند و گاه تعصبات نژادی باعث می‌شود که اغلب در مناطق دور افتاده و مجزا زندگی کنند و دسترسی محدودی به منابع تولید داشته باشند.

سکونت بیش از سه میلیارد نفر از جمعیت جهان در نواحی روستایی و مواجه بودن بیش از ۱/۲ میلیارد نفر با فقر مطلق که ادامه حیات آنها را تهدید می‌کند توجه ویژه به فقرزدایی از نواحی روستایی و اشتغالزایی را در روستاها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. فقر جهانی و اثرات جانبی جهانی شدن از جمله توزیع نابرابر درآمد کشورها که جزء اصلی‌ترین چالش‌های کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود، مردم روستاها را با آسیب‌ها و صدمات اقتصادی و اجتماعی زیادی مواجه ساخته که امروزه مهاجرت از روستا به شهر، وجود میزان بالایی از کار کودکان در روستاها، تبعیض علیه کار زنان و کارگران روزمزد و سیار در روستاها و بخش کشاورزی، عدم تامین اجتماعی مورد نیاز و امنیت پایین شغلی از نمونه آسیب‌های مذکور به‌شمار آمده و موجب تشدید فقر و نابرابری در روستاها می‌شوند.

منابع

- کریمی، جعفر (۱۳۸۹) گردشگری روستایی و نقش آن در توسعه پایدار روستا مورد مطالعه (تعدادی از روستاهای دهستان جبل-بخش کوهپایه)، پذیرفته شده در کنفرانس منطقه ای صنعت توریسم دانشگاه آزاد خمینی شهر
- رجبی، سیده (۱۳۹۰)، نقش گردشگری در توسعه پایدار روستایی مطالعه ی موردی: (شهرستان خشکبیجار)
- شارپلی، جولیا، (۱۳۸۰)، گردشگری روستایی، ترجمه ی منشی زاده و نصیری، نشر منشی تهران
- اقبال، ناصر، مقاله ی مدیریت گردشگری روستایی و نقش آن در توسعه ی روستایی، (۱۳۸۹) ص ۵۲
- رضوانی، محمدرضا، (۱۳۸۷) توسعه ی گردشگری روستایی با رویکرد گردشگری پایدار، انتشارات دانشگاه تهران
- ازکیا، مصطفی و زارع، عادل و ایمانی، علی (۱۳۸۷)، «رهیافت‌ها و روش‌های تحقیق کیفی در توسعه روستایی»، تهران، نشر نی.
- ارشاد، فرهنگ و آقائی، داوود (۱۳۸۱)، «تصویری از مهاجرت در استان خوزستان در دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ و موضوع مهاجرت بازگشتی». مجله جامعه‌شناسی ایران، بهار ۱۳۸۱. ۴(۱): ۷۹-۸۹.
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۸۳)، «زوال کوچ‌نشینی در ایران، یکجانشینی ایلات و عشایر»، فصلنامه مطالعات ملی، وزارت جهاد کشاورزی، سال پنجم، شماره ۱.

- بیک‌محمدی، حسن و مختاری ملک‌آبادی، رضا (۱۳۸۲)، «تحلیلی جغرافیایی بر روند مهاجرت در استان خوزستان»، مجله جغرافیا و توسعه، زاهدان، ۳۶-۲۱.
- تودار و مایکل (۱۳۶۷)، «مهاجرت‌های داخلی در کشورهای در حال توسعه»، ترجمه مصطفی سرمدی و پروین رئیسی، دفتر بین‌المللی کار، تهران.
- دانشور، محمود و همکاران (۱۳۸۵)، «بررسی تأثیر افزایش بهره‌وری کشاورزی بر مهاجرت روستایی در ایران»، مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی، شماره ۴، ۲-۲۱.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰)، «مهاجرت»، تهران: انتشارات سمت.
- سرشماری آماری نفوس و مسکن (۱۳۸۵)، مرکز آمار ایران، شهرستان هشتگرد.
- شکوئی، حسین (۱۳۸۳)، «دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری»، انتشارات سمت.
- طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۰)، «تحلیلی بر عوامل مؤثر بر مهاجرت‌های روستا-شهری»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال شانزدهم، شماره ۳، ۶۸-۸۹.
- عاشری، امامعلی (۱۳۸۳)، «بررسی تأثیر فعالیت‌های عمرانی جهاد سازندگی بر تثبیت جمعیت روستایی در مقطع زمانی ۷۵ تا ۱۳۵۵»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱، سال نوزدهم، شماره پیاپی ۷۲.
- فیروزنیا، قدیر (۱۳۸۵)، تبیین استمرار کارکرد اقتصادی روستاهای در معرض تخلیه جمعیتی شهرستان قزوین، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- قاسمی اردهایی، علی (۱۳۸۵)، «بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران با فرا تحلیل پایان‌نامه‌های تحصیلی (مقطع زمانی ۱۳۵۹-۸۳)»، فصلنامه روستا و توسعه. بهار ۱۳۸۵. ۱(۹): ۵۱-۸۰.
- کوئن، بروس (۱۳۸۰)، «مبانی جمعیت‌شناسی»، ترجمه غلامعلی توسلی و رضا فاضل، انتشارات سمت.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸)، «نظریات مهاجرت». شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۷)، «مهاجرت‌های روستایی شهری»، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور. ۷۸۰-۷۹۹.
- مهدوی، مسعود و همکاران (۱۳۸۳)، «نقش عوامل جغرافیای طبیعی در ناپایداری و مهاجرت‌های روستایی استان زنجان»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۸، ۲۰۱-۲۲۰.
- داس ویل، راجر، (۱۳۸۶) مدیریت جهانگردی، ترجمه ی اعرابی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- قادری، اسماعیل، (۱۳۸۲) نقش گردشگری روستایی در توسعه پایدار، پایان نامه دکتری
- مرادنژاد، همایون، (۱۳۸۱) ماهنامه ی اجتماعی- اقتصادی جهاد، خرداد و تیر ماه، شماره ی ۲۵۰-۲۵۱
- جعفری، حمید و حاتمی شاه‌خال، سیده محدثه، (۱۳۹۱) بررسی تأثیر گردشگری روستای در بخش اقتصادی دهستان سراوان طی دهه های اخیر، همایش ملی توسعه روستایی
- حسین محمدی، مریم و حیاتی، داریوش، (۱۳۹۱) توسعه توریسم روستایی رویکردی نوین در جهت توسعه پایدار روستایی، همایش ملی توسعه روستایی
- ظهرابی، حمید، (۱۳۸۵) تدوین الگوی مدیریت اکوتوریسم در حوزه آبخیز پریشان، مرکز علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی اهواز
- استاندارای فارس، (۱۳۹۰)؛ «آخرین وضعیت تقسیمات کشوری شهرستان شیراز».
- پارسا بصیر. ه. (۱۳۸۶)؛ «بررسی زمینه‌ها و راهکارهای توسعه گردشگری روستایی در بخش طالقان از شهرستان ساوجبلاغ»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران.

رکن‌الدین افتخاری. ع. ر. و مهدوی. د، (۱۳۸۵)؛ «راهکارهای توسعه گردشگری روستایی با استفاده از مدل SWOT در دهستان لواسانات کوچک»، فصل‌نامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰ شماره ۲، صص ۳۰-۱.

روح‌الله‌زاده اندواری. ق، (۱۳۸۵)؛ «گردشگری و آثار اقتصادی و اجتماعی آن بر توسعه منطقه‌ای- نمونه موردی: روستای آبگرم لاریجان آمل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

رهنمایی. م. ت، فرهودی. ر. ا، دیتمان. آ و قدمی. م، (۱۳۸۷)؛ «بررسی ظرفیت تحمل حوزه مقصد گردشگری با تأکید بر جامعه میزبان»، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۶، صص ۳۳-۱۷.

سعیدی. ع، (۱۳۷۷)، «مبانی جغرافیای روستایی»، انتشارات سمت.

شهیدی. م. ش، اردستانی. ز. ا و گودرزی سروش. م. م، (۱۳۸۸)؛ «بررسی تأثیرات توریسم در برنامه‌ریزی نواحی روستایی»، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۷، صص ۱۱۳-۹۹.

قادری، ا، (۱۳۸۲)، «نقش گردشگری روستایی در توسعه روستایی پایدار»، پایان‌نامه دکتری، تربیت مدرس.

- Lewis, Jame B., (1996); A Case Study of the Process of Tourism Development in rural Communities in the State of Indiana..*
- Sandhu, Mandi K. (1998); Tourism and Sustainability: the Commercial Trekking Industry in the Kullu valley Himachal Pradesh, India.*
- Kim, MJ-Kyund., (2005); Determinants of Rural Tourism and Modeling Rural Tourism Demand in Korea.*
- Adamo, Susana, (2003), "Social sustainability and social resilience rural communities in dry lands: the case of jachal (Argentina) in the 19an century", Association, Dallas, Texas.*
- Balan, Jorge (1996), "Demographic trends and migratory movements formLatin", America and Carabian, OCDE, International Conference on Migration, Rome.*
- Fei, J.C.H., and Ranis, G. (1961), "A Theory of Economic Development", Am. Econ Rev., 533-565.*
- Goldsmith, P., Gunjab, K. and Ndarshikanye, B. (2004), "Rural Urban Migration and Agricultural Productivity: the case of Senegal", Agricultural Economics, And No.31: 33-45.*
- Lewis, W.A. (1954), "Economic development with unlimited supplies of labor", Manchester School of Econ., social study, 22: 139-192.*
- Lai, P. & Napal, S.K. (2006). "Local perspectives of ecotourism development in Tawushan Nature Reserve, Taiwan". Journal of Tourism Management, Vol.27.*
- Walpole, M.J. & Goodwin, H.J. (2000). Local Economic Impacts of Daragon in Indonisia". Journal of Annals of Tourism Research, Vol.27, No.3.*